



## نظریه‌های تفسیر قرارداد در حقوق ایران و امریکا

محسن اکبری<sup>۱</sup>، امیرعباس بزرگمهر<sup>۲\*</sup>، محمود حبیبی<sup>۳</sup>

۱. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال، تهران، ایران
۲. استادیار گروه حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران شمال، تهران، ایران
۳. استادیار گروه حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران شمال، تهران، ایران

تاریخ ارسال: ۱۴۰۲/۰۳/۱۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۵/۱۱

### چکیده

در حقوق ایران دو نظریه در تفسیر قرارداد مطرح است: نظریه «تفسیر بر مبنای قصد مشترک طرفین» در برابر نظریه «تفسیر اجتماعی و آزاد». در حقوق امریکا «متن‌گرایی» و «بافت‌گرایی» از مهم‌ترین نظریه‌های تفسیر قرارداد هستند. نظریه‌های دیگری در حقوق امریکا مطرحند که عبارتند از: «لفظ‌گرایی»، «عینیت‌گرایی»، «ذهنیت‌گرایی»، و «تفسیر بافتی‌عینی» که تلفیقی از رویکردهای ذهنیت‌گرا و عینیت‌گرا است. پرسش این است که نقاط ضعف و قوت نظریه‌های تفسیری کدامند و میان نظریه‌های تفسیر قرارداد در حقوق ایران و حقوق امریکا چه نسبتی می‌توان برقرار کرد. در پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی مشخص شده است که در حقوق امریکا، اگرچه نظریه‌های بافت‌گرا و ذهنیت‌گرا مدعی‌اند به بهترین وجه قصد واقعی اشخاص را به‌عنوان هدف اصلی تفسیر کشف و به نحو کامل «اصل آزادی اراده» را تضمین می‌کنند، به نظر می‌رسد متن‌گرایی و عینیت‌گرایی در عین حال که ارزش‌های حقوقی چون ثبات معاملات و اعتماد به قصد مشروع اشخاص را حفظ می‌کنند، ارزش‌های اقتصادی چون کارایی و سود حداکثری در معاملات را نیز تأمین می‌کنند. بنابراین در تفسیر قرارداد متن‌گرایی با رویکرد عینی نسبت به بافت‌گرایی و ذهنیت‌گرایی وجوه برتری بیشتری دارد. عدم اتکا بر نظریه‌های تفسیر متن و عدم توجه به معیارهای اقتصادی چون کارایی و سود حداکثری از عمده‌ترین ضعف‌های نظریه‌های تفسیر قرارداد در حقوق ایران است. تفسیر قرارداد با رویکرد قصد باطنی در ایران با نظریه‌های ذهنیت‌گرا و بافت‌گرا در امریکا قرابت دارد و تفسیر بر اساس قصد ظاهری را می‌توان با نظریه‌های عینیت‌گرا و متن‌گرا نزدیک دانست.

واژه‌های کلیدی: بافت‌گرایی، تفسیر قرارداد، تفسیر اجتماعی و آزاد، ذهنیت‌گرایی، عینیت‌گرایی، قصد ظاهری، قصد باطنی، متن‌گرایی.

E-mail: drabozorgmehr@gmail.com

\* نویسنده مسئول مقاله:





## مقدمه

قراردادها بر مبنای قصد مشترک طرفین شکل می‌گیرند. این قصد، انتظارات متعارف و معقولی را در افراد ایجاد می‌کند و همین امر مبنای اعتماد اشخاص به اجرای قرارداد است (Barak, 2005: 318)؛ این اعتماد بر پایه زبان مشترک، استوار است. هر عنصری از زبان حاوی معنایی است که اشخاص برای بیان مقصود خود آن‌ها را انتخاب می‌کنند و بر این باورند این معانی بین اشخاصی که به یک زبان مشترک صحبت می‌کنند یکسان است. در هنگام انعقاد قرارداد نیز طرفین به وسیله الفاظ و عبارات، مقصود (معانی ذهنی) خود را به دیگری منتقل می‌کنند. برخی اوقات معانی ذهنی طرفین در مورد الفاظ و عبارات با یکدیگر متفاوت است؛ اصرار طرفین بر معنای مورد نظر خود، موجب عدم امکان اجرای تعهدات قراردادی و منجر به بروز اختلاف می‌شود (Klass, 2019: 19). از این روی منشأ بسیاری از اختلاف‌های قراردادی مربوط به ناپایداری زبان است. این اختلاف‌ها از مسائلی چون «ابهام»<sup>۱</sup>، «اجمال»<sup>۲</sup> و پیش‌نویس‌های ناقص ناشی می‌شود<sup>۳</sup> (Mitchell, 2019: 17-19). در چنین شرایطی طرفین برای اجرای قرارداد ناگزیر به دادگاه مراجعه می‌کنند و دادگاه با «تفسیر»<sup>۴</sup> زمینه اجرای قرارداد را فراهم می‌کند.

حال پرسش اساسی این است که تفسیر چیست و دادگاه با چه هدفی و بر پایه کدام مبنای نظری، قرارداد را تفسیر می‌کند. در نظر اول پاسخ به این پرسش‌ها عاری از هرگونه پیچیدگی به نظر می‌آید. اما پاسخ به این پرسش‌ها، بررسی و تحلیل آن‌ها به نحو منسجم کاری دشوار است.

<sup>1</sup> ambiguity

<sup>2</sup> Vagueness

<sup>۳</sup> در امریکا دادگاه‌ها بندرت بین اصطلاحات "میهم" (ambiguous) و مجمل (vague) تفاوت قائل می‌شوند.

به‌عنوان مثال، یک تعریف معمول قضایی از این دو واژه شامل هر اصطلاح یا کلمه‌ای است که "معنی مشخصی ندارد یا ... قابلیت حمل بیش از یک تفسیر معقول و منطقی را دارد (Schwartz and Scott:570).

<sup>4</sup> interpretation



تفسیر در لغت به معنای «توضیح دادن» است (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۸: ۱۷۰). این واژه در معنای عام خود به معنای «روشن ساختن، تبیین کردن، معناگزاری، تأویل‌گری و گزارشگری» به کار می‌رود (آشوری، ۱۳۷۴: ۱۸۷). در اصطلاح علم حقوق، تفسیر را «هنر یا فرایند کشف و بیان معنای یک قانون، وصیت‌نامه، قرارداد یا هر نوع سند مکتوب دیگر» دانسته‌اند (Garner, 2009:954). کشف و تعیین معنا مسئله‌ای اساسی در تفسیر است. معنا در خلأ وجود ندارد و همیشه ضمیمه لفظ است به نحوی که می‌توان گفت لفظ آئینه معناسست. در جامعه به‌ویژه در تعاملات حقوقی هرگونه ارتباطی اعم از مکتوب و شفاهی از طریق الفاظ است. این الفاظ حاوی معانی اند. ارتباط موفق ارتباطی است که بین معانی مورد نظر گوینده و مخاطب هماهنگی باشد. بر همین مبنا در تعریفی دقیق‌تر از تفسیر گفته شده است: «تفسیر هنر یافتن معنای کلمات است یعنی معنایی که نویسنده قصد انتقال آن را داشته به نحوی که دیگران بتوانند همان معنای ناشی شده از آن عبارات را همان‌گونه که نویسنده قصد کرده دریابند» (Klass, 2018:6). اینکه مخاطب همان معنایی را که گوینده قصد کرده است<sup>۱</sup> فهم کند در حقوق قراردادهای از اهمیت اساسی برخوردار است تا جایی که در برخی از موارد اگر قصدها با یکدیگر منطبق نباشد عقد اساساً به وجود نمی‌آید. بر این اساس قریب به اتفاق حقوق‌دانان هدف تفسیر را کشف قصد مشترک طرفین می‌دانند. با این توضیح که تضمین «آزادی اراده» به‌عنوان هدفی اساسی در حقوق قراردادهای از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است. بنابراین قرارداد -که بیانگر اراده اشخاص است- باید به نحوی تفسیر شود که به هدف مذکور خدشه‌ای وارد نشود. هدف یادشده هنگامی محقق خواهد شد که تفسیر کاشف از قصد و اراده طرفین باشد (Barak, 2005: 318). از همین جهت دادگاه‌ها در تفسیر در جستجوی قصد و اراده طرفین‌اند. با این اوصاف هدف از تفسیر، اجرای قرارداد بر اساس قصد مشترک طرفین قرارداد است و دادگاه

<sup>۱</sup> چنانکه در بخش‌های بعدی توضیح داده خواهد شد؛ در اینجا قصد به معنای قصد انشائی نیست بلکه مقصود «قصد لفظ» و «قصد معنای لفظ» است.



مجاز نیست خارج از قرارداد تعهدی برای طرفین ایجاد کند (Gregory, 2018: 1). بسیاری از نظام‌های حقوقی در این امر متفق‌اند که هدف از تفسیر قرارداد یافتن راه‌حل برای رفع اختلاف‌های قراردادی است و این فرایند از طریق رجوع به قصد طرفین عملی خواهد شد. (Schwartz and Scott, 2003: 568). در قانون مدنی ایران نیز اگرچه در مواد ۱۹۱ و ۱۹۴ به قصد مشترک طرفین اشاره شده و از اهمیت اساسی برخوردار است، تفسیر قرارداد با عنوان مستقلی در آن پیش‌بینی نشده و به تبع آن مستقیماً به هدف تفسیر قرارداد - که می‌تواند قصد مشترک طرفین باشد - اشاره نشده است. با این حال حقوق‌دانان اهمیت خاصی برای آن در تفسیر قرارداد قائل‌اند (شهیدی، ۱۳۹۱: ۳۱۴). اگرچه نظریه‌های تفسیر قرارداد عمدتاً باهدف کشف قصد مشترک طرفین صورت‌بندی شده‌اند، همان‌طور که گفته خواهد شد این نظریه‌ها هم در عناصر مورد استفاده در تفسیر و هم قواعدی که به کار می‌گیرند متفاوتند.

در حقوق ایران و در منابع فارسی نظریه‌های تفسیر قرارداد در چندین دهه اخیر، تطور و تحولی را تجربه نکرده است. در مورد نظریه‌های تفسیر قرارداد در حقوق ایران و امریکا نیز تحقیق تطبیقی مستقلی انجام نشده است. بسیاری از پژوهش‌هایی که در تفسیر قرارداد نگاشته شده است بیشتر به اصول و قواعد تفسیری به‌صورت پراکنده پرداخته‌اند (نک. شعاریان و ترابی، ۱۳۹۳: ۳۰۸-۳۳۴، نک: صاحبی، ۱۳۷۶، نک. قشقایی، ۱۳۷۸). برخی دیگر نظریه‌های تفسیری را به‌صورت نامنسجم مطرح کرده‌اند (نک. مهدیزاده، ۱۳۸۹؛ انصاری، ۱۳۹۳: ۴۰۷-۴۱۰). در سایر موارد نیز پژوهش‌ها تکرار نظریه‌های کلاسیک است (نک. افضل‌ی و دیگران، ۱۳۹۸، نک. علومی یزدی و بابازاده، ۱۳۸۹؛ علوی و بابازاده، ۱۳۸۹، نک. اصغری آق‌مشهدی و تقی‌پور درزی نقیعی، ۱۳۹۶، نک. شرفی، نصیران، ۱۴۰۰) و بدون هیچ‌گونه نقدی معرفی شده‌اند. برخی دیگر که سعی داشته‌اند بر مبنای رویکردهای هرمنوتیکی، نظریه‌های تفسیر قرارداد را روزآمد کنند که به نظر می‌رسد کیفیت تطبیق دیدگاه‌های هرمنوتیکی با نظریه‌های تفسیر قرارداد، منجر به پژوهشی ناموزون و ناروشن شده است (رشوند بوکانی،



محمدی، خسروی، ساردوئی، ۱۴۰۱). بررسی نظریه‌های تفسیری با رویکردی انتقادی از یکسو و مقایسه تطبیقی با نظریه‌های تفسیری در نظام‌های حقوقی پیشرفته می‌تواند به توسعه و غنای مباحث نظری کمک کند. امری که به نظر می‌رسد در پژوهش‌های انجام‌شده مغفول مانده است.

با این اوصاف پرسش‌هایی مطرح می‌شود که از پاسخ به آنان تا حدی می‌توان ضعف‌های پیش‌گفته را پوشاند. این پرسش‌ها از این قرارند: نقاط ضعف نظریه‌های تفسیری در حقوق ایران کدامند؟ آیا نظریه‌های تفسیر قرارداد در حقوق ایران با نظریه‌های تفسیری در حقوق امریکا قرابت و تطابق دارند؟

این پژوهش درصدد است با روش توصیفی-تحلیلی نظریه‌های تفسیری را در حقوق ایران و امریکا مورد بررسی و تحلیل قرار دهد تا از این رهگذر پاسخ به پرسش‌های فوق آشکار شود. در بخش اول مختصراً نظریه‌های تفسیر قرارداد معرفی می‌شود، در بخش دوم و سوم به طرح نظریه‌های تفسیری در حقوق ایران و حقوق امریکا و نقد آنان به صورت مجزا پرداخته شده و در نهایت مطالب گفته‌شده جمع‌بندی و نتایج حاصل از آن بیان می‌شود.

## ۱. معرفی نظریه‌های تفسیر قرارداد

در حقوق ایران دو نظریه عمده تفسیری بین حقوق‌دانان مطرح است: نظریه تفسیر بر مبنای قصد مشترک طرفین در برابر نظریه تفسیر اجتماعی و آزاد (نوعی و اجتماعی)<sup>۱</sup> (کاتوزیان، ۱۳۹۰: ۱۸ و ۲۲؛ شهیدی، ۱۳۹۱: ۲۹۴، نک. حبیبی، ۱۳۹۲: ۶۳-۶۷). این دو نظریه از تقابل اندیشه فردگرایان و قائلان به اصالت جامعه نشأت می‌گیرد.

<sup>۱</sup> اطلاق نظریه بر قصد مشترک طرفین با مسامحه و متعلق به نگارنده است. برخی به جای نظریه از عنوان شیوه استفاده کرده‌اند و گفته‌اند که جستجوی قصد مشترک یکی از شیوه‌های تفسیری است (کاتوزیان، ۱۳۹۰: ۱۸) و برخی دیگر بدون اشاره صریح به نظریه‌های تفسیری صرفاً به مفهوم اراده مشترک انشاءکنندگان قرارداد اشاره کرده و آن را در مقابل تفسیر بر اساس مصالح اجتماعی و انصاف قرار داده‌اند (شهیدی، ۱۳۹۱: ۲۹۴).



دیدگاهی که به تمجید اراده طرفین در قرارداد می‌پردازد از عقاید فردگرایان ناشی شده، و توجه به جنبه‌های عادلانه و اجتماعی قرارداد از نتایج تبعیت از رویکرد اجتماعی به قرارداد است (نک. کاتوزیان، ۱۳۸۴). تفسیر قرارداد بر اساس مصالح و منافع اجتماعی نیز به همان نظریه تفسیر اجتماعی و آزاد اشاره دارد (نک. افضل‌ی و دیگران، ۱۳۹۸). در مورد نظریه‌های تفسیری تعبیر دیگری نظیر تفسیر لفظی و روش تحقیق علمی و آزاد نیز به کار رفته است که تا حد زیادی منطبق با مفاهیم پیش‌گفته است (نک. علومی یزدی و بابازاده، ۱۳۸۹؛ علوی و بابازاده، ۱۳۸۹).

سنگ بنای نظریه تفسیر قرارداد بر مبنای قصد مشترک طرفین، اصل حاکمیت اراده است (کاتوزیان، ۱۳۹۰: ۱۸ و ۲۲؛ شهیدی، ۱۳۹۱: ۲۹۴). در حقوق ایران در مورد قصد طرفین دو رویکرد وجود دارد: یکی قصد باطنی و دیگری قصد ظاهری. در تفسیر قرارداد این دو رویکرد در هدف - که همان کشف قصد مشترک طرفین است - هم‌داستان‌اند اما در روش و عناصر تفسیری با یکدیگر تفاوت‌های اساسی دارند که در مباحث آتی بدان پرداخته خواهد شد.

قائلان به نظریه تفسیر اجتماعی و آزاد بر این باورند که قصد مشترک طرفین امری صوری است؛ چراکه کمتر پیش می‌آید که طرفین درباره همه شرایط و مفاد عقد گفتگو و همه موضوعات قراردادی را به صورت شفاف پیش‌بینی کنند. در این نظریه، صرفاً هنگامی که اراده آشکار و فاقد ابهام وجود داشته باشد می‌توان به قصد مشترک طرفین استناد کرد و در مواردی که کشف اراده مشترک میسر نیست، جستجوی اراده مفروض طرفین راه به جایی نمی‌برد و سرانجام دادگاه باید بر مبنای عدالت و مصالح اجتماعی قرارداد را تفسیر کند. در این نظریه، قرارداد وسیله‌ای برای حفظ مصالح اجتماعی است و وجودی مستقل از اراده‌های طرفین دارد و پدیده‌ای اجتماعی است (کاتوزیان، ناصر، ۱۳۹۰: ۲۲-۲۳).

مسئله تفسیر در حقوق امریکا به‌خصوص در دو دهه اخیر مرکز توجه حقوق‌دانان و قضات دادگاه‌ها بوده است. دو نظریه‌ای که به‌طور جدی در مقابل هم قرار دارند



عبارت‌اند از: متن‌گرایی<sup>۱</sup> و بافت‌گرایی<sup>۲</sup>. بر اساس نظریه متن‌گرا، دادگاه در تفسیر باید متن قرارداد را به‌عنوان منبع تفسیر مورد بررسی قرار دهد و در صورت فقدان ابهام، مجاز نیست به بافت و ادله خارجی که متن قرارداد در آن شکل گرفته است مراجعه کند. به عبارت دیگر دادگاه در هنگام تفسیر به‌طور خاص باید عناصر و شواهد خارج از متن را نادیده بگیرد. شواهدی چون رویه معاملات بین طرفین در معاملات قبلی، اظهارات یا توافقات شفاهی پیش از قرارداد، و عرف تجاری از جمله ادله و شواهد خارج از متن است (Benoliel, 2017:472-473). در مقابل بافت‌گرایی به همه عواملی که متن در بستر آن شکل گرفته است توجه می‌کند. میزان توجه به این عوامل یکسان نیست و برخی عوامل در نظر مفسر وزن بیشتری دارد (Barnes, 2018: 1099). با این اوصاف مفسر باید این عوامل را نسبت به متن قرارداد در اولویت قرار دهد و به رویدادهای قبل و بعد از تشکیل قرارداد توجه کند. مفسر باید به بافتی که قرارداد در آن شکل گرفته حتی اگر شفاهی یا غیرمکتوب باشد توجه کند. توجه مفسر به بافت مقید به ابهام متنی نیست بلکه حتی اگر قرارداد فاقد ابهام باشد، باید شواهد خارجی<sup>۳</sup> را در تفسیر قرارداد در نظر بگیرد. برای کشف قصد واقعی طرفین دادگاه هیچ محدودیتی برای استناد به شواهد خارجی ندارد (Benoliel, 2017: 473). تقسیم‌بندی دیگری در حقوق امریکا

<sup>1</sup> textualism

<sup>2</sup> contextualism

<sup>۳</sup> عبارات «extrinsic evidence» و «parol evidence» از پربرسامترین عباراتی است که در تفسیر قرارداد به کار می‌رود. واژه evidence به معنای مدارک و ادله‌ای است که برای اثبات یا رد امری که ادعا شده به کار می‌رود. این ادله شامل شهادت، اسناد و اشیای ملموس است. همچنین این واژه به مجموعه‌ای از دلایل جمع‌آوری‌شده قبل از دادرسی نیز اطلاق می‌شود، مانند مجموعه مدارکی که نشان می‌دهد که یکی از طرفین قرارداد را نقض کرده است (Garner, 2009:635). واژه extrinsic نیز به آنچه خارج از موضوع یا منبعی باشد گفته می‌شود (Garner, 2009:666). هم‌نشینی این واژه با واژه evidence به معنای مدارک و ادله‌ای است که خارج از موضوع مورد ادعا است. این عبارت با عبارت «parol evidence» نیز از حیث کاربرد قرابت دارد. کلمه parol در معنای اظهار شفاهی و غیرمکتوب به کار رفته است و هنگامی که در کنار واژه evidence قرار می‌گیرد به معنای ادله و مدارک غیر مکتوب است (Garner, 2009:1227).





توسط برخی از حقوق‌دانان مطرح شده است که مشتمل بر سه نظریه است: لفظ‌گرایی<sup>۱</sup>، عینیت‌گرایی<sup>۲</sup> و ذهنیت‌گرایی<sup>۳</sup>. در نظریه لفظ‌گرا عبارات و کلمات قرارداد بر معنای تحت‌اللفظی حمل می‌شود. در نظریه عینیت‌گرا قصد طرفین آن‌گونه که در قرارداد به‌عنوان یک کل آشکار شده به‌عنوان یک مفهوم عینی مورد نظر است و نه آنچه قصد ذهنی افراد است. نظریه ذهنیت‌گرا در جستجوی قصد ذهنی اشخاص است و برای کشف آن به هر دلیل و قرینه‌ای تمسک می‌کند (Burton, 2009: 2). علاوه بر نظریه‌های فوق نظریه دیگری نیز در حقوق امریکا مطرح است که می‌توان آن را تلفیقی از نظریه‌های تفسیری پیش‌گفته دانست و آن عبارت است از نظریه تفسیری بافتی-عینی<sup>۴</sup>. این نظریه در تفسیر از یکسو قواعد مرتبط با متن قرارداد را به کار می‌گیرد و از سوی دیگر برای رفع ابهام به عناصر خارج از متن نیز توجه دارد (Burton, 2009: 193-194).

## ۲. نظریه‌های تفسیری در حقوق ایران

چنانکه گفته شد در حقوق ایران دو نظریه تفسیری وجود دارد: نظریه تفسیر قرارداد بر مبنای قصد مشترک طرفین و نظریه تفسیر اجتماعی و آزاد. نظریه مبتنی بر قصد مشترک طرفین خود بر دو رویکرد استوار شده است: رویکرد قصد باطنی و رویکرد قصد ظاهری.

### ۲-۱. نظریه تفسیر قرارداد بر مبنای قصد مشترک طرفین

همان‌طور که گفته شد این نظریه خود مشتمل بر دو رویکرد است. به‌عبارت‌دیگر از آنجاکه قصد مشترک در حقوق ایران خود به دو قصد باطنی و ظاهری تقسیم می‌شود، توجه به هر یک از این رویکردها در تفسیر قرارداد مؤثر است. تطابق قصد مشترک طرفین

<sup>1</sup> Literalism

<sup>2</sup> Objectivism

<sup>3</sup> Subjectivism

<sup>4</sup> Objective contextual interpretation





به قدری اهمیت دارد که ملاک صحت عقد است؛ چنانکه در ماده ۱۹۴ قانون مدنی مقرر شده است «الفاظ و اشارات و اعمال دیگر، که متعاملین به وسیله آن انشاء معامله می نمایند، باید موافق باشد به نحوی که احد از طرفین همان عقدی را قبول کند که طرف دیگر قصد انشاء آن را داشته است و الا معامله باطل خواهد بود». اگرچه حقوق دانان در تعریف قرارداد اختلاف چشمگیری ندارند اما در تفسیر قرارداد، رویکردی که بر یافتن قصد باطنی طرفین تمرکز دارد با رویکردی که تفسیر را کشف قصد ظاهری و ابرازی طرفین می داند تفاوت دارد. دسته اول را می توان از طرفداران رویکرد قصد باطنی و دسته دوم را از طرفداران رویکرد قصد ظاهری دانست. چنانچه قصد (اراده) ظاهری مبنای تشکیل عقد دانسته شود، آنچه در تفسیر باید مطمح نظر قرار گیرد تنها قصد ظاهری است که غالباً در الفاظی که در متن قرارداد آمده متعین است. در مقابل چنانچه عقد محصول قصد باطنی باشد، مفسر باید در پی کشف قصد باطنی باشد. تفاوت این دو رویکرد در میزان حجیت هر یک از این قصدها برای مفسر است، بدین توضیح که در رویکرد قصد باطنی، امکان تخلف دلالت الفاظ از قصد همواره وجود دارد و به تعبیری دیگر می توان گفت که توافق اراده ها و آنچه سازنده قرارداد است، از سنخ الفاظ نیست و استعمال قرارداد در الفاظ ایجاب و قبول مجازی است (محقق داماد و دیگران، ۱۳۹۰: ۸۶ و ۲۸۴). بنابراین الفاظ، اماره ای نسبی بر قصد باطنی اند ولی در رویکرد قصد ظاهری، ایجاب و قبول، اماره ای مطلق بر قصد باطنی است. این اماره قانونی، به اشخاص اجازه نمی دهد تا بتوانند خلاف مدلول را اثبات کنند و در واقع جنبه خارجی و اجتماعی اراده طرفین در قرارداد اثر بخش است؛ تا جایی که طرفداران این رویکرد معتقدند که قرارداد نه بر اساس قصد باطنی طرفین بلکه با خود این تعبیرات و اظهارات منعقد می شود. به طور کلی طرفداران قصد باطنی بر این باورند که فطرت سلیم هر انسان اقتضا می کند که آنچه مورد خواست او است، در عالم خارج عیناً تحقق یابد و اجتماعی شدن انسان در جامعه، نباید موجب سلب حقوق فطری او شود. در مقابل طرفداران قصد ظاهری می گویند که قصد باطنی نمی تواند در حقوق اثری داشته باشد چراکه این قصد، امری باطنی و مخفی



است. در واقع قصدی می‌تواند منشأ اثر باشد که جنبه خارجی و اجتماعی داشته باشد (محقق داماد و دیگران، ۱۳۹۰: ۲۸۵-۲۸۶).

نظریه تفسیر بر اساس قصد مشترک طرفین نشان می‌دهد که قصد یک طرف قرارداد به تنهایی برای تفسیر قرارداد ملاک نیست. بلکه مفسر به دنبال قصد مشترک آن‌ها است. در این نظریه باید دید مفسر برای کدام نوع از قصد اعتبار قائل است. انتخاب هریک از انواع قصد بر فرایند تفسیر، عناصر و ابزار تفسیری تأثیرگذار خواهد بود. اگر مفسر قصد باطنی را در حقوق قراردادهای معتبر بداند هدف از تفسیر برای او کشف قصد باطنی است و برای رسیدن به این هدف هر عنصری که او را در رسیدن به این هدف یاری دهد استناد می‌کند. بنابراین الفاظ و عبارات قرارداد صرفاً نمی‌توانند مرکز توجه باشند به خصوص هنگامی این الفاظ و عبارات گویای قصد باطنی نباشند. از این روی هر ادله‌ای حتی اگر خارج از چهارچوب متن قرارداد باشد اهمیت دارد. در مقابل طرفداران قصد ظاهری بر الفاظ متمرکزند و برای کشف قصد طرفین تا حدی زیادی به الفاظ و عبارات اتکا دارند و هر دلیلی که با الفاظ و عبارات قراردادی بی‌ارتباط باشد به خصوص اینکه مخالف با ظاهر آن‌ها باشد غیرقابل استماع است.

## ۲-۲. نظریه تفسیر اجتماعی و آزاد

طرفداران اصالت جامعه ریشه تعهدات را در ضرورت‌های اجتماعی می‌دانند. در بسیاری از عقود اراده طرفین نقش اساسی و تعیین‌کننده ندارد. برای مثال اراده زن و شوهر منشأ ایجاد حقوق و تکالیف در عقد نکاح نیست؛ بلکه آن‌ها توافق می‌کنند که به مجموعه‌ای از قواعد حقوقی ملحق شوند. قواعدی که در بسیاری از موارد توافق برخلاف آن‌ها امکان‌پذیر نیست. رد پای مصالح اجتماعی تا اندازه‌ای پررنگ است که گفته شده نفوذ عقد منوط به هماهنگی مفاد آن با مصالح اجتماعی است. توجیه دیگری که در اهمیت مصالح اجتماعی در قراردادهای گفته می‌شود این است که طرفین قرارداد در هنگام عقد از حیث اجتماعی و اقتصادی موقعیت برابر ندارند؛ در نتیجه در این موارد



قرارداد نتایج عادلانه‌ای به دنبال نخواهد داشت (کاتوزیان، ۱۳۸۹: ۴۰-۴۱). رویکرد فوق در تفسیر قرارداد نیز تأثیر خواهد گذاشت. اراده طرفین تحت تأثیر مسائل اجتماعی در موقعیت ضعیفی قرار خواهد گرفت و در تفسیر قرارداد نه اراده شخصی و واقعی طرفین قرارداد بلکه عملکرد انسان متعارف و معقول در راستای مصالح اجتماعی در نظر گرفته می‌شود. نتایج چنین رویکردی این است که عواملی مانند عرف، قانون و انصاف در تفسیر قرارداد حاکم می‌شود و ناگزیر در تفسیر قرارداد اراده اشخاص نمی‌تواند نقش تعیین‌کننده داشته باشد (علمی یزدی، حمیدرضا و بابازاده، بابک ۱۳۸۹: ۲۳۶-۲۳۹). در این نظریه قرارداد صرفاً ناشی از اراده اشخاص نیست بلکه مصالح اجتماعی و نظم عمومی بر قرارداد حکومت می‌کند. قرارداد وجودی مستقل از اراده‌های طرفین دارد. ابزار یا روش‌های تفسیری در این نظریه ماهیتی اجتماعی دارد و قوانین امری و انصاف نقشی اساسی در تفسیر قرارداد ایفا می‌کنند. توجه به مصالح اجتماعی در این نظریه، نقش دولت را در قراردادهای بسیار پررنگ می‌کند و قرارداد وسیله‌ای برای اجرای برنامه‌های اقتصادی تلقی می‌شود (کاتوزیان، ۱۳۹۰: ۲۳).

در این نظریه ضرورت‌ها و مصالح اجتماعی موجب شده قرارداد مستقل از اراده طرفین در نظر گرفته شود. به عبارت دقیق‌تر طرفداران این نظریه نقش اراده را در ایجاد قرارداد و آثار ناشی از آن کم‌اهمیت تلقی می‌کنند. موقعیت‌های قراردادی از پیش تعیین‌شده، وضعیت نابرابر اجتماعی و اقتصادی اشخاص در هنگام انعقاد قرارداد ایجاب می‌کند برای جلوگیری از نتایج ناعادلانه در قراردادهای عرف، قوانین امری و انصاف در تفسیر قرارداد نقش اساسی داشته باشد. قصد اعم از باطنی و ظاهری در مواردی که مخالف با مصالح اجتماعی باشد نباید مبنای تفسیر قرار گیرد و مفسر در تفسیر قرارداد به دنبال ایجاد عدالت و نظم اجتماعی است و کشف قصد مشترک طرفین در این فرایند اهمیت چندانی ندارد.



## ۲-۳. نقد نظریه‌های تفسیری در حقوق ایران

نظریه‌های تفسیری در حقوق ایران پیوند مستقیمی با مبانی تفسیر متن ندارند. چنانکه در نظریه تفسیر قرارداد بر مبنای قصد مشترک طرفین، معنای قصد به قصد انشاء محدود شده است، همچنین نظریه تفسیر اجتماعی و آزاد با لحاظ مبانی تفسیر متن از نظریه‌های تفسیری خروج موضوعی دارد.

برای فهم مطلب لازم است توضیح مختصری در مورد مبانی تفسیر متن داده شود. لفظ و معنا دو رکن اصلی تفسیر هستند. لفظ نشانه است و مفهومی که این نشانه بر آن دلالت می‌کند معناست. رابطه لفظ و معنا دارای دو سطح است: سطح اول رابطه قراردادی میان لفظ و معنا است. این رابطه فارغ از قصد مؤلف و ناشی از کاربرد اهل زبان است. در سطحی دیگر رابطه‌ای را میان معنای ذهنی مؤلف با لفظ می‌توان تصور کرد. بدین توضیح که هر مؤلفی قبل از نوشتن یا گفتن، الفاظ و معانی آن‌ها را در ذهن خود جستجو می‌کند و از طریق نوشتار یا گفتار قصد انتقال آن‌ها را به مخاطب دارد. در اینجا مؤلف میان لفظ و معنای ذهنی و مورد نظر خود ارتباط برقرار کرده و مقصود خود را به مخاطب منتقل می‌کند. این معنا از یکسو با الفاظ و عبارات و ساختار متنوع آن‌ها مربوط است (سطح اول) و از طرف دیگر با قصد و شرایط و موقعیت مؤلف پیوند خورده است. از این جهت مواجهه با متن دو وجه دارد: وجه معنا شناسانه<sup>۱</sup> و وجه پراگماتیک<sup>۲</sup>. در معناشناسی به معنای عبارات و جملات و کلمات از آن جهت که عناصر زبانی هستند توجه می‌شود و هرگونه دخالت عامل بیرونی زبانی نادیده گرفته می‌شود. معنای پراگماتیک به قصد مؤلف از به‌کارگیری زبان با توجه به شرایط و موقعیتی که در آن قرار دارد اختصاص دارد (واعظی، ۱۳۹۲: ۶۶-۶۷). تفسیر به هر دو وجه مربوط است. هم به معنای عبارات و الفاظ و هم مراد مؤلف و نویسنده. نظریه‌های تفسیری در حقوق ایران بیشتر جنبه حقوقی دارد و به‌سختی می‌توان

<sup>۱</sup> Semantical

<sup>۲</sup> Pragmatics



آن‌ها را با نظریه‌های تفسیر متن تطبیق داد. چنانکه گفته خواهد شد معنای قصد در نظریه تفسیر قرارداد به‌طور کامل ارکان تفسیر متن را در برنمی‌گیرد و نظریه تفسیر اجتماعی و آزاد اساساً نظریه‌ای در باب تفسیر نیست. چراکه تحمیل شرایط قانونی اعم از شرایط تشکیل قرارداد یا آثار قراردادها به افراد تفسیر محسوب نمی‌شود یا تکمیل قرارداد آن‌ها در مواردی که توجهی به عرف نداشته‌اند در زمره تفسیر به معنای واقعی قرار نمی‌گیرد بلکه اتفاقاً به نظر می‌رسد دادگاه در این‌جا از مرحله تفسیر عبور کرده و حسب مورد، قرارداد را توصیف یا تکمیل می‌کند که این دو امر با تفسیر متفاوت است. در حقوق قراردادها اراده و قصد از جمله الفاظ پربسامد است. از این جهت باید دید این دو چه معنایی دارند. برخی اراده یا خواستن را منحل به دو حالت درونی کرده‌اند: یکی «رضا»<sup>۱</sup> و دیگری «قصد». در حقوق قراردادها از قصد به «قصد انشاء» تعبیر می‌شود. در اصل «حاکمیت اراده» مقصود از اراده همان قصد انشاء است. این قصد به وجود آورنده عقد و تعیین‌کننده توابع، حدود و آثار آن است (شهیدی، ۱۳۹۰: ۵۵-۵۶).

پرسش اصلی این است که در تفسیر قرارداد مراد از قصد چیست. آیا آنچه دادگاه در هنگام اختلاف درصدد کشف آن است همان قصد انشاء است؟ قصد انشاء در مفهوم اصطلاحی همان اراده به ملتزم شدن است. در جملات انشایی سه نوع قصد ضرورتاً باید وجود داشته باشد تا عمل حقوقی انشایی تحقق پذیرد. نخست قصد لفظ، یعنی آگاهی از انتخاب لفظ. دیگری قصد معنای لفظ، یعنی با صدور لفظ مدلول آن قصد شود و درنهایت قصد انشای معنا است. قصد انشای معنا در واقع قصد ایجاد پدیده اعتباری در عالم حقوق است. این قصد در اختیار متکلم نیست و در عالم حقوق تحقق می‌یابد. (محقق داماد و دیگران، ۱۳۹۰: ۲۶۴ و ۲۷۷). در تفسیر قرارداد مراد از قصد طرفین همان قصد لفظ و قصد معنای لفظ است نه قصد انشاء. با این توضیح که دادگاه یا مفسر قرارداد در جستجوی این است که دریابد طرفین قرارداد لفظ یا عبارت را به کدام معنا به‌کاربرده‌اند. در تفسیر متن، الفاظ با معنای آن‌ها گره خورده است و تعیین معنای

<sup>۱</sup> در اصطلاح حقوقی همان میل و شوق به انجام دادن معامله است (محقق داماد و دیگران، ۱۳۹۰: ۲۶۵).



الفاظ که مربوط به قصد اشخاص است با تعیین محتوای قصد انشاء متفاوت است. چنانکه در حقوق قراردادهای قصد [انشاء] در واقع همان اراده به ملتزم شدن یا متعهد شدن و یا ایجاد امری حقوقی تعبیر شده است (نک. Klass, 2009: 1438-1443). با این اوصاف مفسر فقط معنای الفاظ را بررسی می‌کند. اینکه این الفاظ چه آثاری در عالم حقوق دارند ارتباطی به تفسیر قرارداد ندارد. ممکن است گفته شود برخی اوقات اختلاف قراردادی ناظر به ماهیت انشائات است و چون قصد انشاء در قراردادهای اثر حقوقی ایجاد می‌کند و عقد و آثار آن را به وجود می‌آورد دادگاه ناگزیر قصد اشخاص را در به کار بردن معنای این الفاظ مشخص می‌کند. در پاسخ باید به چند نکته اشاره شود. قصد اشخاص به معنایی که در تفسیر به کار می‌رود فقط قدرت ایجاد معنای لفظ را دارد و اگر دادگاه معنای لفظی را که به وسیله آن اراده انشایی ابراز شده تعیین کند در اینجا دست به تفسیر زده است. اما پاسخ به اینکه گوینده یا نویسنده از این لفظ قصد ایجاد یا اسقاط کدام ماهیت حقوقی را داشته است از حوزه تفسیر خارج است، چراکه با ایجاد معنای لفظ، منشأ در عالم اعتبار به وجود می‌آید و تحقق آن از حیطه اختیار شخص خارج است. همچنین بسیاری از عبارات قراردادی جنبه انشایی ندارند و محدود کردن قصد به قصد انشاء، حل اختلاف در بخش‌هایی از مندرجات قرارداد را از حوزه تفسیر خارج می‌کند. برای مثال طرفین ممکن است بعد از قرارداد در توصیف موضوع معامله اختلاف داشته باشند دادگاه در حل اختلاف به مدلول حقوقی این الفاظ توجه ندارد. از این جهت گفته شده شرح و تبیین قصد انشایی از حوزه تفسیر خارج است و به آن توصیف<sup>۱</sup> گفته می‌شود. از این جهت در حقوق امریکا و حقوق ایران<sup>۲</sup> بین تفسیر و توصیف قرارداد تفاوت قائل شده‌اند. در حقوق امریکا تفسیر از قابلیت‌های زبان شناختی و اجتماعی که خاستگاه‌شان در خارج از حقوق است بهره می‌گیرند و تفسیر کلمات و

<sup>۱</sup> constraction

<sup>۲</sup> توصیف قرارداد همان کشف ماهیت و نوع قرارداد است (نک: کاتوزیان، ۱۳۹۰: ۱۴-۱۵).



اعمال دیگران در فضای اجتماعی گریز ناپذیر است. از گفتار مردم، اعم از ضمنی یا صریح، دلایل اعمال و باور و قصد آنان تفسیر می‌شود درحالی‌که قواعد توصیف ریشه در حقوق دارد (Klass, 2018:2). به عبارت دقیق‌تر تفسیر قرارداد، تعیین معنای قرارداد و قصد طرفین از معانی مورد نظرشان است درحالی‌که توصیف به اثر قانونی که به قصد آنان داده می‌شود گفته می‌شود (Bix, 2012:56-57). تفسیر یک اصطلاح یا عبارت در قرارداد، قطع نظر از آثار آن، به تعیین محتوای زبانی قرارداد مربوط است درحالی‌که توصیف، تبیین پیامدهای قانونی آن عبارت یا اصطلاح است (Jiménez: 2019: 8). در نهایت می‌توان گفت تفسیر فرایندی است که دادگاه در آن معنای مورد نظر طرفین را جستجو می‌کند. پس از تکمیل این فرایند، دادگاه با عمل توصیف، اثر حقوقی که باید به این کلمات داده شود را مشخص می‌کند (Murray (J.) and Murray (T.), 2017: 513).

علاوه بر مطالب فوق از نظریه تفسیر بر اساس قصد مشترک به‌خودی‌خود فرایند و قواعد تفسیری قابل استخراج نیست. باید دید قصد باطنی مورد نظر است یا قصد ظاهری. حقوق دانان به همین تفکیک بسنده کرده‌اند. افزون بر آن در این نظریه‌ها، عناصر تفسیری و میزان وزندهی به این عناصر و ادله قابل استماع در آن‌ها تبیین نشده است.

### ۳. نظریه‌های تفسیری در حقوق امریکا

در حقوق امریکا نظریه‌های تفسیری از اهمیت زیادی در حقوق قراردادها برخوردار است. وجه تمایز هر یک از نظریه‌ها در توجه به عناصری است که هنگام تفسیر مورد توجه قرار می‌گیرند. دو نظریه بافت‌گرا<sup>۱</sup> و متن‌گرا<sup>۲</sup> و نظریه تفسیری بافتی-عینی<sup>۳</sup> از

<sup>1</sup> contextualism

<sup>2</sup> textualism

<sup>3</sup> Objective contextual interpretation





عمده‌ترین آن‌ها است. برخی دیگر به تقسیم‌بندی دیگری دست زده‌اند: لفظ‌گرایی، عینیت‌گرایی و ذهنیت‌گرایی.

### ۱-۳. متن‌گرایی<sup>۱</sup>، بافت‌گرایی<sup>۲</sup>

در حقوق امریکا ضرورت جستجوی قصد طرفین هنگام اختلاف مورد توافق قریب به اتفاق قضات است. باین‌حال تفکیک قصد ذهنی<sup>۳</sup> از قصد عینی موجب شده قضات در نحوه تفسیر قرارداد رویکردهای مختلفی را اتخاذ کنند. در هنگام جستجوی قصد ذهنی ضرورت دارد ادله‌ای فراتر از متن قرارداد مورد توجه قرار گیرد. به خصوص در مواردی که متن قرارداد دارای سکوت، اجمال یا ابهام باشد. از سوی دیگر در احراز قصد عینی مفسر از استناد به ادله خارج از متن قرارداد بی‌نیاز است و متن قرارداد به‌عنوان منبع مهمی در کشف قصد عینی کافی است. بدین ترتیب نحوه مواجهه با «ادله و شواهد خارجی»<sup>۴</sup> در فرایند تفسیر اهمیت می‌یابد. در هنگام وقوع اختلاف در وهله نخست، دادگاه‌ها به دنبال قصد ذهنی (واقعی) مشترک طرفین هستند چراکه کشف این قصد معیاری برای تشخیص تفسیر [صحیح] است. اما اینکه چگونه تفسیرهای مورد نظر می‌توانند آنچه طرفین واقعاً و از لحاظ ذهنی قصد کرده‌اند را کشف کنند بستگی به میزان توجه دادگاه به «قاعده بافت»<sup>۵</sup> دارد (Goldstein, 2013: 104). این قاعده مقرر می‌دارد که دادگاه برای تعیین معنای الفاظ و عبارات مورد اختلاف باید به شواهد خارج از متن قرارداد نیز توجه کند، حتی اگر زبان قرارداد واضح و بدون ابهام باشد

<sup>1</sup> textualism

<sup>2</sup> contextualism

<sup>۳</sup> قصد ذهنی یا واقعی (actual or subjective intention) در برابر قصد عینی به کار می‌رود. قصد عینی «قصدی است که افراد معقول و متعارف در صورت قرار گرفتن در موقعیت طرفین قرارداد آن را برمی‌گزینند» (Catterwell, 2020: 62)

<sup>4</sup> extrinsic evidence

<sup>5</sup> context rule



(Garner, 2009: 362).

دادگاه‌ها به میزان توجه به ادله و شواهد خارجی در فرایند تفسیر، حسب مورد متن‌گرا یا بافت‌گرا تلقی می‌شوند. متن‌گرایان در تفسیر قرارداد بر در وهله اول به زبان قرارداد و چهارچوب قرارداد کتبی تمرکز می‌کنند. از این‌رو، شواهد خارجی مانند مذاکرات اولیه، اوضاع تجاری، سابقه تعهدات، دوره روابط تجاری و عرف تجاری در درجه دوم اهمیت قرار دارند. برخلاف اینان، بافت‌گرایان بر این باورند که در هنگام تعیین معنای قرارداد هم باید به شواهد خارجی توجه کرد و هم به متن و زبان قرارداد (Silverstein, 2019:1014).

### متن‌گرایی

به‌طور کلی گفته شده هر کلمه‌ای قصدی در خود حمل می‌کند و مفسر با تمرکز بر متن سعی می‌کند به قصد مؤلف (نویسنده) نزدیک شود. از این‌رو کلمات سرخ‌هایی برای تعیین قصد هستند (Barnes, 2018: 1091). به عبارت دیگر قصد از معنا قابل تفکیک نیست؛ بدین توضیح که نویسنده متن، از کاربرد الفاظ و عبارات مقاصدی در ذهن دارد. این مقاصد در زبان رمزگذاری شده‌اند و متن حاوی این مقاصد است (Fish, 2005: 631). در برخی موارد معنای تحت‌اللفظی کلمات یا عبارات در یک متن مترادف با متن‌گرایی تلقی شده است (Garner, 2009: 1614) در حالی که متن‌گرایی و لفظ‌گرایی با یکدیگر تفاوت دارند. لفظ‌گرایان شأن متن را به الفاظ و معانی موجود در فرهنگ لغت تقلیل می‌دهند اما متن‌گرایان، بر این باورند که کلمات معانی مستقلی فراتر از معانی موجود در فرهنگ‌های لغت داشته و این معانی از منظر اشخاص ثالث بی‌طرف قابل تعیین و درک است (Mahoney, 2007: 833).

در این رویکرد، دادگاه متن قرارداد را به‌عنوان منبع اصلی تفسیر در نظر می‌گیرد و اگر متن ابهام نداشته باشد؛ دادگاه نمی‌تواند به بافت و ادله خارجی که متن قرارداد در آن شکل گرفته است رجوع کند. رویه معاملاتی طرفین در معاملات قبلی، مذاکرات



شفاهی پیش از قرارداد و عرف تجاری ادله و شواهد خارج از متن محسوب می‌شود (Benoliel, 2017:472-473). متن‌گرایی رویکردی عینی به متن قرارداد دارد و قصد طرفین را در متن قرارداد جستجو می‌کند. این قصد از این جهت که به معانی معمول و متعارف متن قرارداد تأکید دارد، عینی است و الفاظ و عبارات قرارداد از منظر یک شخص معقول و متعارف معانی درک می‌شود.

### بافت‌گرایی

تعهدات حقوقی، همیشه بر اساس یک پس‌زمینه بیان‌نشده از اهداف مشترک و تجربیات شکل‌گرفته‌اند. در سطح کلان نیز می‌توان گفت متن حاوی این تعهدات بر اساس یک نظریه مشترک در مورد جهان به وجود می‌آید. بدون چنین پس‌زمینه عمومی، ارتباطات انسانی غیرممکن می‌شود (Mitchell, 2019: 10). بافت‌گرایی نظریه‌ای تفسیری است که در تفسیر همه عناصری که متن در آن شکل گرفته است لحاظ می‌کند. تأکید بر این عناصر یکسان نیست و بعضی عناصر نزد مفسر وزن بیشتری دارد (Barnes, 2018: 1099). بر اساس نظریه بافت‌گرا، عناصری که قرارداد در آن شکل گرفته است نسبت به متن قرارداد اولویت دارد و رویدادهای قبل و بعد از تشکیل قرارداد در تفسیر لحاظ می‌شود. مفسر باید به بافت مؤثر در تشکیل قرارداد اگرچه شفاهی یا غیرمکتوب باشد توجه کند. توجه به بافت محدود به زمانی نیست که متن دارای باشد و اگر قرارداد فاقد ابهام نیز باشد، باید ادله خارجی را در تفسیر خود در نظر بگیرد و برای کشف قصد واقعی طرفین دادگاه هیچ محدودیتی برای استناد به این ادله ندارد (Benoliel, 2017: 473).

بافت‌گرایی گرایش‌های مختلفی دارد. رابطه‌گرایان<sup>۱</sup> روابط قراردادی را بسیار غنی‌تر و گسترده‌تر از توافق‌نامه‌های کتبی طرفین می‌بینند و بر این باورند که بی‌توجهی به بافت و زمینه‌های ارتباطی طرفین قرارداد، نتایج ناعادلانه‌ای را نسبت به طرفی که

<sup>1</sup> relationists



حقوقی در خلال این رابطه برای او به وجود آمده است به دنبال خواهد داشت و به تخریب روابط طرفین منتهی می‌شود. گروهی دیگر از منظر زبان‌شناختی به موضوع می‌نگرند و می‌گویند زبان بدون در نظر گرفتن بافت و زمینه‌ای که در آن شکل گرفته است، بی‌معناست. زبان بسیار متکثر است و ترجیح یک معنا بر معنای دیگر بدون وجه مرجح امکان‌پذیر نیست. وجه ترجیح معانی بر یکدیگر نزدیکی آن‌ها به بافت و زمینه‌ای است که در آن به‌کاررفته‌اند. از همین جهت گفته شده که قضات بدون توجه به بافت نمی‌توانند به معنای واقعی الفاظ و عبارات قرارداد دسترسی پیدا کنند و قضاتی که متن را بدون توجه به بافت آن تفسیر می‌کنند به‌طور ناخودآگاه، تفسیری منطبق با زمینه ذهنی خود ارائه می‌کنند (Bagchi, 2020: 7).

به‌طور خلاصه می‌توان گفت بافت‌گرایی از طریق تجزیه و تحلیل زمینه‌ای که قرارداد در آن شکل گرفته است قرارداد را تفسیر می‌کند. این نظریه از این جهت اهمیت دارد که مفسر معقول و متعارف، می‌تواند معنای درست قرارداد را به بهترین نحو درک کند (Mitchell, 2015: 233).

### ۳-۲. لفظ‌گرایی، عینیت‌گرایی، ذهنیت‌گرایی و تفسیر عینی بافتی

در امریکا حقوق قراردادهای به اشخاص این توانایی را می‌دهد که روابط قانونی خود را به‌گونه‌ای تنظیم کنند تا از دامنه قراردادهای ناعادلانه کاسته شود. از این رو حقوق قراردادهای در امریکا چهار هدف اصلی را دنبال می‌کند. هدف اول اطمینان از پیاده‌سازی قصد طرفین در هنگام انعقاد قرارداد است. هدف دوم افزایش امنیت قراردادهای است. سوم حل و فصل اختلاف‌ها به‌صورت داوطلبانه و به‌وسیله خود قرارداد است. در هدف چهارم حقوق قراردادهای به دنبال دستیابی به اصول قواعدی است که مانند یک راهنمای معتبر برای رفتار مناسب طرفین قرارداد در اجرای آن عمل کند. تفسیر قرارداد برای تحقق این اهداف فوق‌چندوظیفه را دنبال می‌کند. اول اینکه شروطی که باید تفسیر شوند توسط مفسر شناسایی می‌شوند. دوم اینکه مشخص می‌شود کدام



شروط مبهم‌اند و این شروط کدام تفسیرهای مورد نظر طرفین را در برگرفته است؛ در نهایت مفسر از طریق انتخاب یک تفسیر از میان تفاسیر رقیب، ابهام را رفع می‌کند. در دادگاه‌های امریکا هدف اولیه در تفسیر قرارداد تعیین قصد طرفین هنگام تنظیم قرارداد است. برای این کار در وهله اول الفاظ و عباراتی که باید به آن معنا داده شود شناسایی و بعد از آن عبارات و الفاظی که ابهام دارند مشخص می‌شوند.

ابهام نقطه اختلاف و شروع تفسیر است. ابهام اقسامی دارد: ابهام واژگانی<sup>۱</sup>، ابهام عبارتی<sup>۲</sup> و ابهام نحوی<sup>۳</sup> و اجمال<sup>۴</sup>. در صورت وجود هر یک از این ابهام‌ها وظیفه سوم این است که یک شخص بی‌طرف - که در اینجا دادگاه است - ابهام را رفع کند برای انجام هر یک از این وظایف ناگزیر باید نظریه‌های فوق را به کار گرفت. در لفظ‌گرایی برای تعیین حقوق و تعهدات معنای کلمات و عبارات از فرهنگ لغت استخراج می‌شود در عینیت‌گرایی قصد آشکار و اظهارشده در اسناد قراردادی به‌عنوان یک کل، تعیین می‌شود و قصد ذهنی طرفین ملاک عمل قرار نمی‌گیرد. در مقابل در ذهنیت‌گرایی قصد ذهنی طرفین قرارداد مورد بررسی قرار گرفته و برای کشف آن، همه مدارک و مستندات ملاحظه می‌شود (Burton, 2009: 1-2).

### لفظ‌گرایی

تفسیر بر اساس معنای تحت‌اللفظی کلمات و عبارات قراردادی، بدون در نظر گرفتن بافت و زمینه‌ای که در آن این الفاظ به‌کاررفته را لفظ‌گرایی گویند. در این نظریه یک واژه یا یک عبارت نقطه شروع تفسیر است. در این راستا مفسر برای یافتن معنای این واژه به فرهنگ لغت مراجعه می‌کند. یک کلمه در صورتی مبهم است که بیش از یک معنا یا از لحاظ گرامری بیش از یک کارکرد دستوری داشته باشد. این نظریه در بین

<sup>1</sup> term ambiguity

<sup>2</sup> sentence ambiguity

<sup>3</sup> structural ambiguity

<sup>4</sup> vagueness



دادگاه‌ها امریکا طرفداران اندکی دارد (Burton, 2009: 41). لفظ‌گرایی اصولاً نظریه‌ای مستقل تلقی نمی‌شود. این رویکرد دادگاه‌ها را ملزم می‌کند تا صرف‌نظر از بافت و زمینه‌ای که متن حقوقی در آن ایجاد شده است بر الفاظ و عبارات مندرج در متن آن توجه کند (Watson, 2021:219).

تفسیر قرارداد به معنای شناسایی شروط مبهم قرارداد و معنا دادن به آن‌ها است. مسائل تفسیری غالباً- البته نه همیشه- حول محور یک کلمه است. نظریه لفظ‌گرا تفسیر را بر روی یک کلمه- که تعریف آن در فرهنگ لغت آمده است- متمرکز می‌کند. این نظریه فاقد یک رویکرد کل‌نگر به قرارداد است (Burton, 2009: 37). در واقع یک لفظ‌گرا و هر مفسر دیگری هنگام استفاده از فرهنگ لغت به‌طور ضمنی بافت و زمینه را در نظر می‌گیرد همان‌طور که کوربین<sup>۱</sup> اصرار داشت زمینه برای یافتن معنای زبان ضروری است بنابراین در یک فرهنگ لغت ممکن است یک کلمه کاربردهای دستوری و معانی متفاوتی داشته باشد و مفسر در این‌جا برای انتخاب یکی از کلمات باید بافت را نیز لحاظ کند مگر این‌که در فرهنگ لغت فقط یک معنا برای آن کلمه وجود داشته باشد و این معنا به اندازه کافی دقیق باشد که بتواند اختلاف و مشکل را حل کند (Burton, 2009:38-39).

## عینیت‌گرایی<sup>۲</sup>

عینیت‌گرایان بر این باورند که الفاظ و کلمات جدا از زمینه‌ای که در آن شکل گرفته‌اند معنای عینی و درستی ندارند. عینیت‌گرایی زمینه محدودی را برای یافتن معانی متعارف عبارات طرفین که در متن استفاده شده در نظر می‌گیرد. عینیت‌گرایی توجیه مدرنی برای این محدودیت دارد. گرایش‌های متعددی از عینیت‌گرایی به‌طور گسترده توسط دادگاه‌های آمریکایی برای تعیین این‌که در قرارداد ابهام وجود دارد یا

<sup>1</sup> A. Corbin

<sup>2</sup> Objectivism



نه، بکار می‌رود. با وجود این یک معیار کلیدی برای تمایز از نظریه ذهنیت‌گرایی وجود دارد. گفته می‌شود در جایی که زبان به‌طور کلی معنای غالبی دارد مطابق با آن معنا تفسیر می‌شود مگر این‌که طرفین قصد متفاوتی را صریحاً در قرارداد آورده باشند. دادگاه‌های نیویورک به دلیل اتخاذ یک موضع عینی‌گرایانه قوی در مورد مسئله ابهام شهرت دارند. (Burton, 2009:12-22).

در این نظریه به‌طور قابل ملاحظه‌ای مجموعه‌ای از عناصر تفسیری لحاظ می‌شود. علاوه بر فرهنگ لغت و قواعد دستوری، قرارداد به‌عنوان یک کل یکپارچه<sup>۱</sup>، اوضاع و احوال عینی<sup>۲</sup> در هنگام تشکیل قرارداد، اهداف<sup>۳</sup> مکتوب و مستند، معانی متداول و متعارف<sup>۴</sup>، عرف و عادات تجاری<sup>۵</sup>، رویه‌های حقوقی و هرگونه رویه عملی به‌عنوان عناصر مؤثر در تفسیر در نظر گرفته می‌شود. این عناصر بافت قراردادی را شکل می‌دهند که برای معنا دادن به عبارات مبهم کافی به نظر می‌رسد. مشروط بر اینکه قصد طرفین از منظر یک شخص معقول بر مبنای ظهورات قصد و شرایط قرارداد مبنا قرار گیرد نه قصد ذهنی آن‌ها. بسیاری از دادگاه‌ها از این نظریه حمایت می‌کنند. در نظریه عینیت‌گرا این زمینه‌ها در تمام قرارداد گسترش می‌یابد. در این نظریه توصیف عملی قرارداد توسط طرفین نیز در نظر گرفته می‌شود در عین حال شواهد خارجی بیانگر قصد ذهنی، مذاکرات مقدماتی یا شهادت یک طرف در مورد قصد خود در هنگام قرارداد، کنار گذاشته می‌شود (Burton, 2009: 41 & 28). اهدافی که طرفین در قرارداد برای خود در نظر گرفته‌اند نشان می‌دهد که آن‌ها چگونه از زبان استفاده کرده‌اند. آیا قصد توصیف دنیای قرارداد را داشته‌اند یا با ایجاد تعهد برای خود و دیگری هدف دیگری را دنبال می‌کردند. از این روی در تفسیر، اهداف طرفین قرارداد در نظر گرفته می‌شود. کلمات در نظریه عینیت‌گرا دارای معنای متعارف و معمولی‌اند مگر اینکه این

<sup>1</sup> The whole contract

<sup>2</sup> Objective circumstances

<sup>3</sup> Purpose

<sup>4</sup> Ordinary meaning

<sup>5</sup> Trade usage and customs





معانی منجر به لغو یا پوچ شدن عبارت و الفاظ قرارداد شود. در مواردی که طرفین از الفاظ معنای تخصصی مربوط به معاملات تجاری را قصد می‌کنند دادگاه به عرف و عادت تجاری توجه دارد و الفاظ را حمل بر معانی عرف تجاری می‌کند و نه معنای متعارف و معمولی آنان (Burton, 2009: 44-47). به‌طور کلی توجه به معانی معقول و متعارف ناشی از ظهورات قصد طرفین و اوضاع و احوال عینی از مهم‌ترین ویژگی‌های نظریه عینیت‌گراست.

### ذهنیت‌گرایی

از منظر فلسفی در این نظریه تفسیر تعریف خاص خود را دارد. تفسیر در ذهنیت‌گرایی عبارت است از «بازسازی و بازتولید دنیای ذهنی مؤلف». این بازسازی صرفاً با مراجعه به معنای لغوی و قواعد دستوری امکان‌پذیر نیست. بنابراین در این نظریه نقش مفسر پررنگ می‌شود (واعظی، ۱۳۹۲: ۱۴۶). این نقش از این جهت برجسته است که دنیای ذهنی مؤلف را مفسر باید بازسازی کند. در حقوق قراردادها این نظریه معطوف به هدف است و گستردگی عناصر تفسیری برای یافتن قصد طرفین نقطه اتکاء این نظریه است.

برخی از دادگاه‌های در امریکا در مراحل مختلف تفسیر قرارداد به‌خصوص در رفع ابهام ذهنیت‌گرا هستند. در خالص‌ترین وجه، ذهنیت‌گرایی نظریه‌ای است که قرارداد را بر مبنای قصد مشترک طرفین - که به قرارداد ضمیمه شده است - تفسیر می‌کند. با این قید که قصد بیان‌نشده در قرارداد را به رسمیت نمی‌شناسد. ذهنیت‌گرایی مفسر را به‌سوی استنباط قصد یک طرف بر مبنای ظهورات این قصد و بر اساس شواهد مرتبط سوق می‌دهد (Burton, 2009: 28). همان‌گونه که گفته شد گستره عناصر تفسیری در این نظریه نسبت به سایر نظریه‌ها وسیع‌تر است. خط سیر قبلی معامله<sup>۱</sup>، جریان

<sup>1</sup> Prior Course of Dealing



مذاکرات قبلی<sup>۱</sup>، شهادت یک طرف در مورد قصد خود<sup>۲</sup>، شرایط و اوضاع و احوال ذهنی<sup>۳</sup> از ادله و عناصر مورد توجه دادگاه در تفسیر است. طرفین قرارداد در معاملات تجاری با یکدیگر در دوره زمانی خاص از ترتیبات مشابهی پیروی کرده‌اند یا اینکه برای رسیدن به توافق مذاکراتی داشته‌اند. دادگاهی که ذهنیت‌گراست، برای رفع ابهام از ادله و عناصر یادشده برای تفسیر قصد طرفین و یافتن معنای مورد نظر طرفین استفاده می‌کند. شهادت یکی از طرفین بر مفاد قصد خود در دادگاه نیز از دیگر ادله تفسیری است. اگرچه تردیدهای فراوانی نسبت به اعتبار این شهادت وجود دارد اما گفته شده هیئت‌منصفه می‌تواند اعتبار آن را بسنجد یا در موردی که طرف علیه منافع خود شهادت می‌دهد می‌توان آن را پذیرفت. خلاصه اینکه همه اوضاع و احوالی که به نحوی به قصد ذهنی طرفین مربوط است در تفسیر قرارداد به کار گرفته می‌شود ( Burton, 2009: 52-57).

### نظریه تفسیری بافتی- عینی

این نظریه در میزان توجه به عناصر تفسیری و شیوه اولویت دادن به این عناصر نسبت به دیگر عناصر از سایر نظریه‌ها متمایز می‌شود. این نظریه را برتون<sup>۴</sup> در کتاب عناصر تفسیر قرارداد مطرح می‌کند. اگرچه شوارتز<sup>۵</sup> و اسکات<sup>۶</sup> او را بافت‌گرا می‌دانند ولی برتون بر این نظر است که آن‌ها این نظریه را به‌درستی درک نکرده‌اند. گفته شد برتون سه وظیفه را برای دادگاه در تفسیر قرارداد برمی‌شمرد: نخست، مشخص کردن اصطلاحات و شروطی که باید به آن‌ها معنا داده شود؛ دوم، تعیین شروطی که به نوعی دارای ابهام هستند. در صورت وجود ابهام وظیفه سوم این است که یک شخص

<sup>1</sup> The Course of Negotiations

<sup>2</sup> A Party's Testimony as to Its Intention

<sup>3</sup> Subjective Circumstances

<sup>4</sup> S.J. Burton

<sup>5</sup> A. Schwartz

<sup>6</sup> R. Scott



بی طرف ابهام را رفع کند (Burton, 2009:2&13). برتون برای صورت بندی رویکرد خود یک سؤال هنجاری مطرح می کند و آن این است که به چه میزان باید برای انجام وظایف فوق به بافت قرارداد توجه کرد. وی پیشنهاد می کند باید در بدو امر قاعده منع استماع ادله خارج از قرارداد<sup>۱</sup> را حفظ کرد. از سوی دیگر برای مشخص کردن اینکه آیا این قاعده باید بکار گرفته شود دادگاه باید به مسئله یکپارچگی<sup>۲</sup> متن قرارداد متمرکز شود. بدین توضیح که با ملاحظه ادعای طرفین، توافقات شفاهی و عناصر داخلی متن مکتوب مانند کلیت قرارداد و مستندات آن، اهداف عینی قراردادی را مورد نظر قرار دهد و در نهایت در مورد این پرسش که آیا متن قرارداد در نظر طرفین آخرین اراده و کامل ترین توافق است یا نه تصمیم بگیرد. شرط یکپارچگی قرارداد اگرچه خیلی قاطع نیست اما در نظر برتون در وهله اول یک وزنه قابل توجهی برای مفسر است. در مرحله بعد دادگاه برای تشخیص ابهام باید شرایط حاکم بر قرارداد در هنگام شکل گیری را با ملاحظه کلیت قرارداد، قواعد دستوری، معیار توصیف قرارداد، اهداف آشکار مورد نظر طرفین، اوضاع و احوال عینی حاکم در زمان قرارداد در نظر بگیرد.<sup>۳</sup> در مرحله سوم اگر قرارداد مبهم باشد دادگاه بعد از ملاحظه شواهد از جمله اوضاع و احوال عینی و هرگونه توصیف خاص، به عنوان یک شخص بی طرف با توزیع یکسان عناصر تفسیری ابهام را رفع نماید. این همان چیزی است که برتون به آن تفسیر بافتی عینی

۱ این قاعده در مواردی که قرارداد کامل است دادگاه را از تحقیق یا استناد به اصول و مدارکی که خارج از چهارچوب متن قرارداد است منع می کند. (Mitchell, 2019: 14).

۲ شرط یکپارچگی که شرط توافق کامل نیز نامیده می شود، همه مذاکرات مقدماتی بین طرفین را در متن قرارداد ادغام می کند. این شرط مقرر می دارد که متن قرارداد همه توافقات طرفین را دربرمی گیرد و هیچ تعهد و توافقی به جز موارد ذکر شده در قرارداد وجود ندارد. شرط یکپارچگی واجد آثاری است: اول این که اظهارات کتبی یا شفاهی قبلی بین طرفین نمی تواند به متن قرارداد اضافه شود؛ دوم اینکه متن قرارداد را اظهارات کتبی و شفاهی طرفین نمی تواند اصلاح کند؛ و در نهایت این امر مفروض است که متن قرارداد بدون ابهام است و قواعد و شواهد خارجی نمی توانند به منظور معنا بخشیدن به متن قرارداد مورد نظر قرار گیرند. (Benoliel, 2017:481-842).

۳ دادگاه برای آشکار کردن ابهام پنهان می تواند از عوامل خارجی چون اوضاع احوال، مناظرات و بحث ها و شهادت نامه و سایر مستندات که طرفین مدعی هستند استفاده کند (Burton, 2009:194).



می‌نامد (Burton, 2009: 193-194).

طرفداران رویکرد تفسیر بافتی-عینی برای رفع ابهام ضمن توجه به عناصر متنی به بافت قرارداد (شرایط و اوضاع و احوال انعقاد قرارداد) نیز اهمیت می‌دهند. در واقع برتون تلاش می‌کند از یک طرف در دام لفظ‌گرایی نیفتد و از سوی دیگر از پیروی کامل از ذهنیت‌گرایی پرهیز کند.

### ۳-۳. نقد و بررسی نظریه‌های تفسیری در حقوق امریکا

با نگاهی به مقالات مختلف در حقوق امریکا می‌توان گفت در دو دهه اخیر نظریه‌های متن‌گرا و بافت‌گرا عمده‌ترین بحث‌ها و پژوهش‌ها را در امریکا به خود اختصاص داده است. به نظر می‌رسد سایر نظریه‌ها نیز با عناوین مختلف، منعکس‌کننده عناصر موجود در این نظریه‌هاست. به طوری که نظریه‌های متن‌گرایی و بافت‌گرایی به لحاظ مفهومی و کارکردی مفاهیم مورد استفاده در نظریه‌های عینیت‌گرا و ذهنیت‌گرا را پوشش می‌دهند. به نحوی که نظریه عینیت‌گرا با نظریه متن‌گرا و نظریه ذهنیت‌گرا با نظریه بافت‌گرا قابل انطباق است. از این روی نقد و بررسی این نظریه‌ها با تحلیل یادشده صورت خواهد گرفت.

پای‌بندی به متن و عینیت‌گرایی برای قضات محدودیت‌هایی در درک اختلاف‌های ناشی از تفسیر ایجاد می‌کند. متن قرارداد در بستر سابقه‌ای به وجود می‌آید که این موضوع در متن‌گرایی نادیده گرفته می‌شود. چنین رویکردی ضریب خطا در تفسیر را افزایش می‌دهد. چنانکه برخی گفته‌اند رویکرد بسیار عینی مفسر را از قصد طرفین دور کند و استنباط مفسر ممکن است مطابق با قصد طرفین نباشد. به این دلیل که متن‌گرایی قصد طرفین را کاملاً تابع کلمات و متن می‌کند (Mitchell, 2019: 13). برخی این استدلال را رد می‌کنند و معتقدند الفاظ و عبارات قرارداد، یک شیوه ارتباط اجتماعی و اطمینان آور است (Ammann, 2020: 198). در برابر اینان، بافت‌گرایان و ذهنیت‌گرایان بر این باورند که واژه‌ها بدون در نظر گرفتن زمینه‌ای که در آن ایجاد شده‌اند فاقد معنا



هستند. از این روی بافت و زمینه قرارداد نقشی اساسی در تفسیر ایفا می‌کند (Schwartz and Scott, 2010: 952-953). بافت‌گرایی و ذهنیت‌گرایی با لحاظ همه عناصر شکل‌دهنده قرارداد به مفسر آزادی عمل می‌دهد تا بتواند تفسیری از قرارداد به دست دهد که اصل آزادی قراردادهای را تضمین کند. با این حال گستردگی بافتی که قرارداد در آن شکل گرفته است این اشکال را در پی دارد که تفسیر را به یک تحلیل بسیار باز و گسترده تبدیل کند و معانی متعددی را پیش روی مفسر قرار دهد. در چنین حالتی هیچ نقطه‌ای برای شروع و بازگشت به پرسش تفسیری (معنای لفظ یا عبارت مورد اختلاف) وجود نخواهد داشت و مفسر در یک فرایند تفسیری نامحدود و بی‌پایان وارد خواهد شد. از آنجاکه متن ذاتاً ناپایدار است، غلبه بر این ناپایداری مستلزم اتخاذ روشی تفسیری است که نتیجه مشخصی را در پی داشته باشد و فضای نامحدود تفسیر را محدود و مشخص کند (Mitchell, 2019: 11-12). از ویژگی‌های نظریه ذهنیت‌گرا و بافت‌گرا احترام به اصل حاکمیت اراده در قرارداد است. اما این هدف در قرارداد نباید تنها هدف باشد؛ امنیت معاملات و مسئول دانستن طرفین در مقابل اظهاراتی که منصفانه و قابل پیش‌بینی است و اثر بخشیدن به اظهارات آشکار شده که به‌طور متعارف و معقول درک می‌شود نیز اهمیت اساسی دارد. از سوی دیگر در برخی موارد اشخاص ثالث بدون توجه و دسترسی به تاریخچه مذاکره طرفین یا سایر شواهد دلالت‌کننده بر مقاصد ذهنی آنان در هنگام تشکیل قرارداد بر انتظارات منطقی ناشی از قراردادهای مکتوب تکیه می‌کنند. در معاملات بین شرکت‌ها هماهنگی بین بخش‌های مختلف یک شرکت و سایر شرکت‌ها فقط با تکیه بر معانی عینی قرارداد تسهیل می‌شود چراکه ممکن است مدرکی که در بستر شکل‌گیری قرارداد به آن استناد شده قابل دسترسی نباشد. برای مثال کارمندی که در مذاکرات مقدماتی حضور داشته با شرکت قطع رابطه کرده باشد (Burton, 2009: 33). در این حالت دسترسی به تاریخچه مذاکرات به‌سادگی ممکن نیست. از سوی دیگر نظریه‌های ذهنیت‌گرایی و بافت‌گرایی باید به این پرسش پاسخ دهند که برای تفسیر مناسب به چه میزان توجه به بافت مورد



نیاز است. این نظریه‌ها تمام شواهدی که مربوط به قصد ذهنی طرفین است در هنگام استفاده از زبان می‌پذیرند. پیش‌فرض ذهنیت‌گرایی و بافت‌گرایی این است که مفسر هر قدر این شواهد و ادله را بیشتر جستجو کند به قصد طرفین نزدیک‌تر می‌شود. اما در اختلاف‌های تفسیری پیچیده، موضوع به این سادگی نیست. چراکه برای کشف قصد ذهنی طرفین نیاز است تحقیق شود که آیا یک‌طرف از معنای ذهنی طرف مقابل مطلع بوده یا باید اطلاع او فرض شود؟ پاسخ به این پرسش امکان‌پذیر نیست چراکه بین بافت و قصد ذهنی طرفین رابطه روشن و آشکاری وجود ندارد (Burton, 2009: 33).

برخی متن‌گرایی و لفظ‌گرایی را یکسان تلقی می‌کنند اما این دو رویکرد با هم متفاوتند. متن‌گرایی قضات را هدایت می‌کند تا متون حقوقی را بر اساس معنای متعارف آن‌ها تفسیر کنند و متن را از منظر یک خواننده معقول و متعارف ببینند درحالی‌که لفظ‌گرایی - که اصولاً نظریه‌ای مستقل نیز تلقی نمی‌شود - صرفاً دادگاه‌ها را ملزم می‌کند تا صرف‌نظر از بافت و زمینه‌ای که متن حقوقی در آن ایجاد شده‌است به متن (الفاظ) آن توجه کند. (Watson, 2021: 219 & 221) در برخی موارد ممکن است که لفظ یا عبارتی از قرارداد صرفاً با لحاظ بافت قرارداد مبهم باشد. در این موارد نظریه لفظ‌گرا نمی‌تواند منبعی برای حل این ابهام ارائه دهد. چراکه لفظ‌گرایان بر این باورند که یک کلمه نمی‌تواند یک معنای تحت‌اللفظی داشته باشد و درعین‌حال در همان زمان ابهام هم داشته باشد. درحالی‌که چنانکه گفته شد ممکن است کلمه یا عبارتی با در نظر گرفتن بافت و اوضاع و احوال زمان تشکیل قرارداد مبهم باشد (Burton, 2009: 18). این ضعف‌ها باعث شده لفظ‌گرایی کمتر در بین دادگاه‌ها کمتر طرفدار داشته باشد.

نظریه تفسیر بافتی - عینی، با رویکرد تلفیقی هم به قواعد متن‌گرایی و عینیت‌گرایی توجه دارد و در فرایند تفسیر از نظریه بافت‌گرا و ذهنیت‌گرا بهره می‌برد. این نظریه با نظریه لفظ‌گرایی تفاوت دارد چراکه در لفظ‌گرایی مفسر شرط یکپارچگی قرارداد را نادیده می‌گیرد. از سوی دیگر این نظریه با نظریه ذهنیت‌گرا و بافت‌گرا نیز متفاوت است چراکه رویکرد ذهنیت‌گرا معطوف به قصد ذهنی است و همه شواهد خارج از قرارداد را



برای کشف یک قصد ذهنی بکار می‌گیرد درحالی‌که رویکرد بافتی-عینی در مواردی خاص، ادله و شواهد خارجی را لحاظ می‌کند (Burton, 2009: 196-197).

پس از گذشت دهه‌ها از طرح نظریه‌های کلاسیک در تفسیر قرارداد، در سال ۲۰۰۳ میلادی انتشار مقاله‌ای بحث‌برانگیز با عنوان «نظریه قرارداد و محدودیت‌های حقوق قراردادها» توسط دو حقوقدان به نام‌های آلن شوارتز و رابرت اسکات در مورد تفسیر قرارداد بحث‌های چالش‌برانگیزی در محافل علمی مختلفی درگرفت. بعد از انتشار این مقاله نقدهایی به استدلال آن‌ها وارد شد. برتون در سال ۲۰۰۹ میلادی در کتاب «عناصر تفسیر قرارداد» به نقد این نظریه پرداخت. در سال ۲۰۱۰ میلادی شوارتز و اسکات با انتشار مقاله‌ای تحت عنوان «احیای تفسیر قرارداد» با توضیح و بسط نظریه خود به منتقدان واکنش نشان دادند (Burton, 2013: 340). در این مقاله نقدها و نظریه تفسیری برتون (تفسیر بافتی عینی) مورد تحلیل قرار گرفت. در سال ۲۰۱۳ برتون با انتشار مقاله‌ای با عنوان «درسی در باب محدودیت‌های تحلیل اقتصادی: آلن شوارتز و رابرت اسکات بر روی تفسیر قرارداد» با تبیین نظریه خود ضعف‌ها و محدودیت‌های مبانی نظری تحلیل آن‌ها را برشمرد. مبنای اختلاف‌نظر این حقوق‌دانان در رویکرد آن‌ها به هدف تفسیر قرارداد قابل درک است. برتون با تأکید بر هدف تفسیر قرارداد بر این باور است که اعتبار نظریه تفسیری در قدرت کشف قصد طرفین واقعی طرفین از طریق معنا دادن به عبارات الفاظ مبهم است. اما در برابر این نظریه، آن‌ها استدلال خود را در انتخاب هر یک از این نظریه‌ها حول محور این پرسش مطرح می‌کنند که آیا نظریه تفسیری می‌تواند نسبت به هدف تفسیر خنثی باشد؟ شوارتز و اسکات متن‌گرا هستند، نه به این دلیل که این نظریه کشف قصد طرفین را به بهترین وجه آشکار می‌کند، بلکه، در نظر آنان مسئله این است که کدامیک از نظریه‌ها و قواعد مرتبط با آن‌ها به بهترین شکل توازن اقتصادی مورد نظر طرفین را در زمینه دقت تفسیر، هزینه‌های تنظیم پیش‌نویس قرارداد و هزینه‌های اجرای آن ایجاد می‌کنند. (Schwartz and Scott, 2010: 964). استدلال آنان این است که کسب‌وکارها عموماً ترجیح می‌دهند که دادگاه‌ها





ادله متنوع را اعم از مذاکرات پیش قراردادی و در جریان معامله حذف کنند. در حقیقت آنان قبول دارند که اطلاعات مزبور می‌تواند این شانس را افزایش دهد که یک قاضی قصد را به‌طور صحیح تمیز دهد. اما نکته اول آنان این است که هزینه انجام آن زیاد است (Cunningham:2018:1636). در نظر شوارتز و اسکات رویکرد متن‌گرایی قوت و برتری خود را نه صرفاً بر عناصر مزایای این نظریه می‌گیرد بلکه متکی به ترجیحات طرفین قرارداد است که البته این ترجیحات مبنای اقتصادی دارند. در مقابل بافت‌گرایان و ذهنیت‌گرایان بر قصد طرفین به‌عنوان هدف اصلی تفسیر تأکید دارند. برای کشف این قصد همه ادله و عناصر را در تفسیر به کار می‌گیرند. نقد برتون به‌عنوان حقوق‌دانی که گرایش به بافت‌گرایی دارد بر شوارتز و اسکات می‌تواند تا حدی می‌تواند نقاط ضعف و قوت هر یک از نظریه‌های تفسیری را در دو دهه اخیر آشکارتر کند. شوارتز و اسکات برای قراردادهای بین شرکت‌های تجاری یک رویکرد متن‌گرا و شکل‌گرا را به‌عنوان یک قاعده تکمیلی پیشنهاد می‌دهند. آن‌ها برای شناسایی و تعیین شروطی که باید به آنان معنا داده شود قاعده منع استماع ادله خارج از قرارداد و قاعده تفسیر در چهارچوب قرارداد را قابل اعمال می‌دانند (Burton, 2013: 342). آن‌ها توصیه می‌کنند که دو قاعده پیش‌گفته برای تصمیم‌گیری در مورد موضوع یکپارچگی به‌عنوان یک قاعده تکمیلی باید مورد توجه قرار گیرد. بدین نحو که طرفین باید آزادانه در مورد اینکه دادگاه بتواند شواهد خارجی را مانند تاریخچه مذاکرات مقدماتی و عرف تجاری را در نظر بگیرد یا نه توافق کنند. آن‌ها فرض خود را بر یکپارچگی و انسجام قرارداد می‌گذارند و از این روی بر این باورند که قاعده منع استماع ادله خارج از قرارداد و قاعده تفسیر در چهارچوب قرارداد باید به‌عنوان دو قاعده تفسیری مهم توسط دادگاه به کار گرفته شود. با این اوصاف می‌گویند کسانی که می‌خواهند دادگاه در تفسیر قرارداد به شواهد خارجی نیز استناد کند باید یک شرط ضد یکپارچگی در قرارداد بنویسند (Burton, 2013: 344). برتون اضافه می‌کند نظریه شوارتز و اسکات فقط در مورد شرکت‌های تجاری که شامل پنج کارمند یا بیشتر باشد اعمال می‌شود بنابراین این



محدودیت دامنه نظریه تحلیل اقتصادی را قابل قبول تر می کند ( Burton, 2013:345 ) برتون در مورد نظریه آن ها می گوید جنبه مثبت این نظریه این است که حقوق قراردادهای باید تلاش های طرفین برای به حداکثر رساندن منافع مشترک را تسهیل کند و جنبه منفی این نظریه این است که می گوید حقوق قرارداد نباید غیر از این هدف هیچ هدفی را دنبال کند هر دو این ادعاها از این فرض ناشی می شود که دولت باید قواعدی را تنظیم بکند که معیار آن با معیار رسیدن به حداکثری و رفاه (کارایی) مطابق باشد. شوارتز و اسکات در پاسخ به انتقادات و دفاع از اتهام یکجانبه گرایی یک رویکرد کثرت گرا که حاوی ارزش های دیگر است را در تفسیر مورد توجه قرار می دهند آن ها دریافته اند که علاوه بر کارایی، ارزش های حاکمیت قانون برای پیش بینی پذیری و ثبات در یک نظریه هنجاری باید لحاظ شود ( Burton, 2013:346 ). هسته مرکزی استدلال آن ها به طور خلاصه در قالب یک قیاس ساده چنین بازسازی می شود:

الف: قاعده حاکم بر تفسیر قراردادهای تجاری باید یک قاعده تکمیلی باشد چنانکه اکثریت شرکت های تجاری این را می خواهند.

ب: اکثریت شرکت های تجاری خواهان این هستند که تفسیر متن گرایانه به عنوان یک قاعده تکمیلی با حداقل ادله تجویز شود.

ج: بنابراین قاعده تکمیلی باید تفسیر متن گرا را بر پایه کمترین ادله و مستندات به کار گیرد.

نوشتن قرارداد و دادخواهی بدون هزینه نیست بنابراین آن ها استدلال می کنند که هر قاعده تفسیری مطلوب اجتماعی باید هزینه دقت در نوشتن قرارداد را با دادخواهی مبادله کند. این کار به وسیله کنار گذاشتن برخی از شواهد مرتبط تفسیری به منظور کاهش هزینه ها و درعین حال رسیدن به دقت انجام می شود. با این اوصاف برتون بر این باور است که آنان در هنگام بسط نظریه خود نیز همچنان بر معیار کارایی برای رسیدن به رفاه حداکثری پافشاری می کنند ( Burton, 2013:346 ). بدیهی است که تمرکز بر متن قرارداد از نظر اداری-قضایی ارزان تر است اما فحص ادله خارج از قرارداد



می‌تواند هدف تفسیر (دستیابی به قصد طرفین) را محقق کند. همان‌گونه که گفته شد شوارتز و اسکات بر این باورند که اکثر کسب‌وکارها رویکرد شکل‌گرا مبتنی بر نادیده گرفتن ادله خارجی را ترجیح می‌دهند. از آنجاکه قرارداد قانون حاکم بر طرفین است پس باید ترجیحات آنان حاکم باشد و محاکم نیز باید رویکرد شکل‌گرا و متن محور را اعمال نمایند (Cunningham:2018:1636).

علاوه بر نظریه‌های فوق برخی دیگر التزامی بر به‌کارگیری یکی از این دو رویکرد ندارند و بسته به نوع قرارداد هر دو را در جای خود کارآمد می‌دانند (نک. Cunningham, 2018) اصطلاحات لیبرال و مضیق در مورد تفسیر تا حدی بر این رویکرد دلالت دارد. یک تفسیر لیبرال ممکن است محدوده وسیع‌تری برای معنا دادن به الفاظ در نظر بگیرد، درحالی‌که یک تفسیر مضیق یک محدوده باریکی برای معنا دادن در نظر بگیرد. از این جهت دادگاه ممکن است در یک قرارداد معانی گسترده‌تری را لحاظ کند و در قرارداد دیگری تفسیر مضیق و محدودی را به کار می‌گیرد مثلاً در یک قرارداد بیمه کلمات و عبارات پیچیده برای بیمه‌گر کاملاً آشناست؛ درحالی‌که بیمه‌گذار درک کاملی از آنان ندارد. در واقع پیچیدگی شرایط استاندارد بیمه‌نامه‌ها و ناتوانی بیمه‌شده در مذاکره در مورد شرایط آن این دسته از قراردادها را در زمره قراردادهای الحاقی قرار می‌دهد. در هنگام اختلاف بیمه‌نامه به‌صورت آزادانه و موسع به نفع بیمه‌گذار و به‌طور مضیق علیه بیمه‌گر تفسیر می‌شوند (Murray (J.) And Murray (T.), 2017: 514).

با ظهور برداشتی نو از رویکرد شکل‌گرا در سال ۱۹۹۱ توسط شوارتز و اسکات سرعت نفوذ بافت‌گرایی کند شد. در مهر و موم‌های بعد اگرچه قضات به تناسب هر اختلاف قراردادی یکی از دو رویکرد را انتخاب می‌کردند ولی محققان دانشگاهی اصرار داشتند که یکی از این رویکردها بر دیگری ترجیح دارد. این موضوع تا جایی ادامه یافت که برخی از ایالت‌ها بافت‌گرا و برخی دیگر متن‌گرا توصیف شدند. با این حال که اختلاف‌نظر در پذیرش هر یک از رویکردها نیز خودنمایی می‌کند اما همچنان سایه



سنگین این دوقطبی شدن در امریکا دیده می‌شود (Cunningham:1629-1631). نیویورک از ایالت‌هایی است که در اتخاذ رویکرد متن‌گرا پیشتاز است، درحالی‌که کالیفرنیا مهم‌ترین حوزه قضایی بافت‌گرا است. اما گفته شده این دوقطبی با توجه به پیچیدگی دکتین حقوقی و حوزه‌های قضایی مختلف، طبیعی است (Schwartz and Scott, 2010:928). اگرچه به نظر می‌رسد متن‌گرایی در مهروموم‌های اخیر در امریکا نفوذ بیشتری پیدا کرده است ولی اختلاف‌نظرها نشان می‌دهد که جدال بین طرفداران هر یک از نظریه‌های تفسیر قرارداد در امریکا هنوز به سرانجام نرسیده است.

#### ۴. نتیجه‌گیری

در حقوق امریکا متن‌گرایان، رویکرد عینیت‌گرا به تفسیر دارند و متن قرارداد را به‌عنوان منبع اصلی تفسیر در نظر می‌گیرند؛ در مقابل بافت‌گرایان رویکرد ذهنیت‌گرا را در تفسیر قرارداد می‌پذیرند و متن قرارداد را در بستر بافتی که در آن شکل گرفته معنا می‌کنند. بنابراین برای تفسیر، ادله خارج از متن را نیز لحاظ می‌کنند درحالی‌که متن‌گرایان به‌ندرت به ادله خارج از متن قرارداد توجه دارند. طرفداران بافت‌گرایی و ذهنیت‌گرایی مدعی‌اند با استخدام ادله گسترده، به بهترین وجه می‌توانند قصد واقعی طرفین قرارداد را کشف کنند. از این روی بر این باورند که در محقق ساختن هدف اصلی تفسیر یعنی کشف قصد واقعی طرفین، موفق‌اند و با رسیدن به این هدف، اصل «آزادی اراده» را نیز تضمین می‌کنند. اما استخدام ادله گسترده‌تر به دلایلی که گفته شد نمی‌تواند الزاماً این اطمینان را در رسیدن به قصد واقعی ایجاد کند. در مقابل، متن‌گرایی با به‌کارگیری رویکرد عینی به قرارداد در عین حال که ارزش‌های حقوقی را چون ثبات معاملات و اعتماد به قصد مشروع اشخاص حفظ می‌کند، می‌تواند ارزش‌های اقتصادی را مانند کارایی و سود حداکثری در معاملات نیز تأمین کند. بنابراین به نظر می‌رسد متن‌گرایی نسبت به بافت‌گرایی و ذهنیت‌گرایی، وجوه برتری بیشتری دارد.

در حقوق ایران نظریه تفسیر قرارداد بر مبنای قصد مشترک طرفین با نظریه‌های



تفسیر قرارداد در امریکا در هدف یعنی کشف قصد طرفین هم‌راستا هستند. باین‌حال نظریه تفسیر قرارداد بر مبنای قصد مشترک طرفین، با رویکرد شوارتز و اسکات که ترجیح طرفین را در انتخاب نظریه تفسیر قرارداد و قواعد آن مبنا قرار می‌دهد و معیار کارایی و رسیدن به رفاه و سود حداکثری را در تفسیر لحاظ می‌کند هیچ قرابتی ندارد. به‌عبارت‌دیگر نظریه‌ها تفسیری در حقوق ایران توجهی به وجه اقتصادی معاملات و ترجیحات طرفین ندارند. با این اوصاف، فقدان ارتباط با نظریه‌های تفسیر متن، عدم توجه به معیارهای اقتصادی چون کارایی و سود حداکثری از عمده‌ترین ضعف‌های نظریه‌های تفسیر قرارداد در حقوق ایران است. ضعف دیگر نظریه‌های تفسیر بر مبنای قصد مشترک طرفین این است که جنبه‌های حقوقی آن بر جنبه زبان‌شناختی آن غلبه دارد. به‌نحوی‌که در این نظریه کشف قصد انشاء در تفسیر اهمیت اساسی دارد درحالی‌که در تفسیر قصد لفظ و قصد معنا مهم‌ترین رکن تفسیر هستند. نظریه تفسیر اجتماعی و نوعی نیز نظریه‌ای در باب تفسیر متن قرارداد تلقی نمی‌شود چراکه هدف آن کشف قصد طرفین نیست بلکه برعکس در آن توازن نظم و مصالح اجتماعی هدف است و متن قرارداد برای رسیدن به این هدف نادیده گرفته می‌شود.

در حقوق ایران کسانی که به دنبال کشف قصد باطنی طرفین هستند به نظریه ذهنیت‌گرا و بافت‌گرا در امریکا نزدیک‌اند. ازاین‌جهت قواعد تفسیری مربوط به نظریه‌های بافت‌گرا و ذهنیت‌گرا در حقوق ایران قابل اعمال و استفاده است. از سوی دیگر رویکرد قصد ظاهری در تفسیر قرارداد به نظریه متن‌گرا و عینیت‌گرا در حقوق امریکا نزدیک است. بنابراین قواعدی چون منع استماع ادله خارج از قرارداد و تفسیر در چهارچوب قرارداد را می‌توان در حقوق ایران به کار برد.



## ۵. منابع

### ۱-۵. منابع فارسی

#### الف) کتب

- ۱- آشوری، داریوش (۱۳۷۴)، فرهنگ علوم انسانی، تهران: نشر مرکز.
- ۲- انصاری مهدی (۱۳۹۳)، تحلیل اقتصادی حقوق قراردادها، تهران: جاودانه، جنگل.
- ۳- حبیبی، محمود (۱۳۹۲)، تفسیر قراردادهای بین‌المللی، تهران: میزان.
- ۴- شعاریان، ابراهیم و ترابی، ابراهیم، (۱۳۹۳)، حقوق تعهدات، مطالعه تطبیقی طرح اصلاحی حقوق تعهدات فرانسه با حقوق ایران و اسناد بین‌المللی، تهران: شهر دانش.
- ۵- شهیدی، مهدی (۱۳۹۰)، حقوق مدنی: تشکیل قراردادها و تعهدات. تهران: مجد، جلد اول.
- ۶- شهیدی، مهدی، (۱۳۹۱)، حقوق مدنی: اصول قراردادها و تعهدات. تهران: مجد، جلد دوم.
- ۷- قشقای، حسین (۱۳۷۸)، شیوه تفسیر قراردادهای خصوصی در حقوق ایران و نظام‌های حقوقی معاصر، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- ۸- کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۰)، حقوق مدنی: قواعد عمومی قراردادها: آثار قرارداد، تهران: شرکت انتشار، جلد سوم.
- ۹- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۵)، حقوق مدنی: قواعد عمومی قراردادها: مفهوم عقد- انعقاد و اعتبار قرارداد (تراضی). تهران: شرکت انتشار، جلد اول.
- ۱۰- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۹)، حقوق مدنی: نظریه عمومی تعهدات، تهران: نشر میزان.
- ۱۱- صاحبی، مهدی (۱۳۷۶)، تفسیر قراردادها در حقوق خصوصی، تهران: ققنوس.
- ۱۲- محقق داماد، سید مصطفی و دیگران (۱۳۹۰)، حقوق قراردادها در فقه امامیه، تهران: سمت، جلد اول.



پژوهش‌های حقوق تطبیقی / تابستان ۱۴۰۲ / دوره ۲۷ / شماره ۲ / پیاپی ۱۲۰ / صص ۱-۳۹

- ۱۳- مهدیزاده، احمد (۱۳۸۹)، *اصول تفسیر قرارداد در حقوق ایران و امریکا*، کارشناسی ارشد. دانشکده حقوق، دانشگاه تبریز.
- ۱۴- واعظی، احمد (۱۳۹۲)، *نظریه تفسیر متن*، تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

### ب) مقالات

- ۱۵- افضل‌لی، عبدالواحد؛ مهدی شاعر و محمد مهدی شریف، (۱۳۹۸)، «عبور از تفسیر قرارداد به تحول قرارداد تأملی در اجتماعی شدن حقوق قراردادهای»، *فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی دوره ۷، شماره ۲۷، صفحه ۳۵-۶۲*.
- ۱۶- اصغری آقمشهدی، فخرالدین و محمدحسین تقی‌پور درزی نقیبی، (۱۳۹۶)، «مطالعه تطبیقی تأثیر عرف و عادت در تفسیر قرارداد در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا و حقوق ایران»، *مطالعات حقوقی تطبیقی، دوره ۸، شماره ۲، صفحه ۴۱۳-۴۴۲*.
- ۱۷- شرفی، پوران و داود نصیران، (۱۴۰۰)، «مطالعه تطبیقی رویکرد تفسیر قرارداد در نظام حقوقی ایران و انگلیس»، *نشریه حقوق اسلامی، شماره ۶۹، صفحه ۲۱۱-۲۳۲*.
- ۱۸- رشوند بوکانی، مهدی؛ پژمان محمدی، حسن خسروی، آذین ساردوئی (۱۴۰۱)، «تأثیر دیدگاه‌های تفسیری هرمنوتیک بر تفسیر قضایی قراردادهای»، *مطالعات حقوقی، شماره ۲، صفحه ۱۷۵-۲۰۷*.
- ۱۹- علومی یزدی، حمیدرضا و بابک بابازاده، (۱۳۸۹) «شیوه‌های تفسیر قرارداد در نظام حقوقی ایران و انگلستان»، *پژوهش حقوق سیاست شماره ۲۹، صفحه ۲۲۵-۲۷۰*.
- ۲۰- علوی، سید محمدتقی و بابک بابازاده، (۱۳۸۹) «تفسیر قرارداد در نظام حقوقی کامن لا»، *دوفصلنامه علمی نخصصی علامه شماره ۲۹، صفحه ۱۴۹-۱۷۶*.
- ۲۱- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۴)، «تفسیر قرارداد»، *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*





دانشگاه تهران، دوره ۷۰، شماره ۷۰ - شماره پیاپی ۸۴۵، دی ۱۳۸۴

۲-۵. منابع لاتین

### الف) کتب

- 22- Ammann, Odile, *Domestic Courts and the Interpretation of International Law. Methods and Reasoning Based on the Swiss Example*. Leiden: Brill/Nijhoff, 2020.
- 23- Barak, Aharon, *Purposive Interpretation in Law*. Princeton and Oxford: Princeton University Press, 2005.
- 24- Bix, Brian H., *Contract Law rules, theory, and context*. Cambridge: Cambridge University Press, 2012.
- 25- Burton, Steven J., *Elements of contract interpretation*. 1<sup>st</sup> edn. New York: Cambridge University Press, 2009.
- 26- Catterwell, Ryan, *A Unified Approach to Contract Interpretation*. Oxford: Hart, 2020
- 27- Garner, Bryan A., *Black's Law Dictionary*. 9<sup>th</sup> edn. St. Paul, MN: West, 2009.
- 28- Mitchell, Catherine, *Interpretation of Contracts*. 2<sup>nd</sup> edn. London and New York: Routledge, 2019.
- 29- Murray, John E., Jr. and Murray, Timothy, *Corbin on Contracts Desk Edition*. Danvers, Mass: Matthew Bender & Company, 2017.

### ب) مقالات

- 30- Bagchi, Aditi, "Risk Averse Contract Interpretation". *Law and Contemporary Problems* 82/4: 1-82, 2020. <https://ssrn.com/abstract=3595849>.
- 31- Barnes, Jeffrey, "Contextualism: The Modern Approach To Statutory Interpretation". *University of New South Wales Law Journal* 41(4):1083-1113, 2018.
- 32- Benoliel, Uri. "The Interpretation of Commercial Contracts: An Empirical Study", 2017. *Alabama law review*, SSRN Electronic Journal. 10.2139/ssrn.2902540.
- 33- Burton, Steven J., "A Lesson on Some Limits of Economic Analysis: Schwartz and Scott on Contract Interpretation". *Indiana Law Journal*



- 88/1, Article 6, 2013.
- 34- Cunningham, Lawrence A., "Contract Interpretation 2.0: Not Winner-Take-All but Best-Tool-For-The-Job". *Geo. Wash. L. Rev.* 1625, 2018.
- 35- Mahoney, C. J. (2007). "Treaties as Contracts: Textualism, Contract Theory, and the Interpretation of Treaties". *The Yale Law Journal*, 116(4), 824–857.
- 36- Goldstein, Aaron D., "The Public Meaning Rule: Reconciling Meaning, Intent, and Contract Interpretation". *Santa Clara Law Review* 53/1: 73-142, 2013.
- 37- Klass, Gregory. "Intent to Contract. *Virginia Law Review*", 95(6), 1437–1503, 2009 <http://www.jstor.org/stable/40344774>
- 38- Klass, Gregory, "Interpretation and Construction in Contract Law". *Georgetown Law Faculty Publications and Other Works*, 2018. <https://scholarship.law.georgetown.edu/facpub/1947>.
- 39- Klass, Gregory, "Contracts, Constitutions, and Getting the Interpretation Construction Distinction Right". *18 Geo. J.L. & Pub. Pol'y*, 2019. <https://scholarship.law.georgetown.edu/facpub/2146>.
- 40- Jiménez, Felipe, "A Formalist Theory of Contract Law Adjudication", 2019, July 29, *Utah law Review*, Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=3428765> or <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.3428765>
- 41- Mitchell, Cathrine, "Interpreting Commercial Contracts: The Policing Role of Context in English Law". Pages 231-245 in Larry DiMatteo and Martin Hogg (eds), *Comparative Contract Law: British and American Perspectives*, 2015. Published to Oxford Scholarship Online: January 2016.
- 42- Schwartz, Alan and Scott, Robert E., "Contract Theory and the Limits of Contract Law". *The Yale Law Journal* 113: 541-619, 2003.
- 43- Schwartz, Alan and Scott, Robert E., "Contract Interpretation Redux", *119 YALE L. J.* 926, 2010. [https://scholarship.law.columbia.edu/faculty\\_scholarship/337](https://scholarship.law.columbia.edu/faculty_scholarship/337).
- 44- Silverstein, Joshua M., "Contract Interpretation Enforcement Costs: An Empirical Study of Textualism versus Contextualism Conducted via the West Key Number System". *Hofstra Law Review* 47/3: 1011-1101, 2019.
- 45- Stanley Fish, "There is No Textualist Position". *42 San Diego L. Rev.* 629, 2005.
- 46- Watson, Bill, "Literalism in Statutory Interpretation: What Is It and What



Is Wrong with It?" (July 19, 2021). 2021 *U. Ill. L. Rev. Online* 218 (2021)

## Theories of Contract Interpretation in Iranian and American Law

Mohsen Akbari<sup>1</sup>, Amir Abbas Bozorgmehr\*<sup>2</sup>, Mahmoud habibi<sup>3</sup>

1. Ph. D. Student in Private Law, Islamic Azad University, North Tehran Branch, Tehran, Iran,
2. Assistant Professor in Private Law, Islamic Azad University, North Tehran Branch, Tehran, Iran
3. Assistant Professor in Private Law, Islamic Azad University, North Tehran Branch, Tehran, Iran

Receive: 2023/06/01    Accept: 2023/08/02

### Abstract

In Iranian law there are two theories in interpretation of the contract: the theory of "Interpretation Based on the Common Intention of the Parties" vs. the theory of "Sociological and Free Interpretation". In American law, "Textualism" and "Contextualism" are the most important theories of contract interpretation. Other theories have been proposed in American law, which include: "Literalism", "Subjectivism", "Objectivism" and "Objective - Contextual Interpretation" which is a combination of subjectivist and objectivist approaches. The main question is what are the strengths and weaknesses of the interpretation theories, and what relationship can be established among the theories of contract interpretation in Iranian and American law. In the present study, it has been determined by the descriptive-analytical method that in American law, although contextualist and subjectivist theories claim to best discover the real intention of individuals as the main goal of interpretation and fully guarantee the "Principle of Free Will", It seems that although Textualism and Objectivism maintain legal values such as the stability of transactions and trust in the legitimate intentions of individuals, at the same time they also provide economic values such as efficiency and maximum profit in transactions. Therefore, in interpretation of the contract, Textualism with an objective approach is superior to Contextualism and Subjectivism. Lack of reliance on textual interpretation theories and inattention to economic criteria such as efficiency and maximum profit are the major weaknesses of contract interpretation theories in Iranian law. The interpretation of the contract with the inner intention approach in Iran is related to subjectivist and contextualist theories, and the interpretation based on apparent intention can be considered close to objectives and textual theories.

**Keywords:** Contextualism, Contract Interpretation, Sociological Interpretation, Subjectivism, Objectivism, Apparent Intention, Inner Intention, Textualism

---

\* Corresponding Author: [drabozorgmehr@gmail.com](mailto:drabozorgmehr@gmail.com)